

نبرد زن

نشریه

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

اسد ۱۳۸۸ (اگست ۲۰۰۹)

شماره نهم

دور اول

فصلنامه زنان

"خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

نبرد زن نشریه دسته هشت مارچ زنان افغانستان، یگانه نشریه ملی دموکراتیک زنان است که در خدمت بسیج گسترده زنان و دختران بخاطر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیسم و خائنین ملی دست نشانده شان که حامی ستم بر زنان اند قرار گرفته است.

در شرایط فعلی مبارزه برای برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست یکی از ضرورت‌های عمده جامعه ما محسوب میشود و بدین اساس از تمام نیروهای انقلابی آگاه می‌خواهیم که با توجه به تعهد خرائین به منافع عالیای توده‌ها و کشور همراه، همدل و همصدا با تمامی قوت و توان در جهت بیرون رفت از زیر یوغ استعمار حرکت نمایند.

آنچه را باید جایگزین استعمار و سلطه شوم امپریالیسم جهانی نمود همانا تامین استقلال افغانستان از طریق اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده درمیسرسرنگونی کلی سلطه امپریالیسم برکشور - سرنگونی حاکمیت نیمه فئودالیزم و بورژوازی کمپرادور و استقرار حاکمیت دموکراتیک توده‌های وسیع خلق‌های کشور، عمدتاً دهقانان و درراس کارگران، برپایه پیشبرد انقلاب ارضی و مصادره سرمایه دلال خواهد بود و این دو هدف بزرگ است که مضمون ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی انقلاب دموکراتیک نوین کشور را تشکیل میدهد.

زنان نیمی از آسمان اند و نیم پیکر جامعه!

برای تماس با نشریه:

Email:

nabardezan@gmail.com

آدرس وبلاگ:

www.nabardezan.persianblog.ir

نشریه نبرد زن از شماست، امید در جهت پربار نمودن هرچه بیشتر نشریه با ما مکاتبه نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال نمایید.

صفحه

فهرست مطالب مندرج در این شماره:

۲

۱. در کمپاین‌های انتخابی دور دوم چه میگذرد؟

۳

۲. انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی
رژیم پوشالی را قاطعانه تحریم کنیم! (اعلامیه دسته ۸ مارچ زنان افغانستان)

۴

۳. فساد در داخل پوهنتون‌ها

۵

۴. موقف زنان در جمهوری اسلامی افغانستان

۶

۵. زنان جوان قربانی قتل‌های ناموسی

۷

۶. حامد کرزی و رژیم پوشالی اش
مسئول تجاوز به زنان می‌باشند

۹

۷. ستم بر زن ریشه در فرهنگ مردسالاری دارد

۱۰

۸. وضعیت زنان در جامعه و زندان‌های رژیم فعلی

۱۱

۹. جنایات هولناک دکانداران دین

۱۲

۱۰. قانون احوالات شخصیه اهل تشیع یک قانون
ستمگرانه وزن ستیزانه عریان

۱۴

۱۱. زنان و اطفال در "جمهوری اسلامی افغانستان"
ارزش انسانی خویش را از دست داده‌اند

۱۶

۱۲. آیا قتل‌های ناموسی پایان پذیر است؟

۱۸

۱۳. جنایات ضد انسانی علیه زنان در افغانستان

۲۰

۱۴. جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست را
در ولایت فراه محکوم می‌کنیم

در کمپاین های انتخاباتی دور دوم چه میگذرد؟

تندر مشعل
گزارشگر نبرد زن



بعد از آنکه کارزارهای انتخاباتی رژیم پوشالی رسماً در افغانستان آغاز شد چهل و یک تن از کاندیداتوران ریاست جمهوری بخاطر تکیه زدن به چوکی چاکرمنشی امپریالیستهای امریکایی در افغانستان دست به کمپاین های به اصطلاح مبارزات انتخاباتی زدند.

جالب اینجاست که هریک از کاندیداتوران به اصطلاح مبارزات انتخاباتی از اسناد و شواهدی بر علیه یکدیگر استفاده میکنند که این موضوعات سر و صداهایی را در سطح شهر کابل برپا نموده است. یک نمونه کامل آن این است که اکثریت کاندیداتوران بر علیه دولت کرزی و تیم مافیائی اش انتقاداتی را روی دست گرفته اند و او را متهم به قانون شکنی از قوانین به اصطلاح انتخاباتی میکنند.

قانون شکنی کرزی و تیم مافیایی اش طی هشت سال اخیر چیزی جدیدی نیست، اما اینبار گروه کرزی در مخالفت به قانون اساسی ساخته و پرداخته شان بازم دست به قانون شکنی زده و در اکثر موارد از وسایل و امکانات دولتی به نفع خود کار گرفته است.

بر اساس قانون ساخته و پرداخته دولت دست نشانده رئیس جمهور کسی است که در صدر قوه ثلاثه قرار دارد و به این اساس، حامد کرزی اخیراً برای پیشبرد کمپاین های انتخاباتی خود از وزیر کابینه، ولسوالان، شاورها، قومندانهای امنیه، تعدادی از روسا و وکیلان پارلمان که دست نشانده های وی هستند کار میگیرد. این کار جنجالی ترین مسئله را در درون کمپاین های انتخاباتی اشرف غنی احمدزی، داکتر عبدالله عبدالله و دیگران براه انداخته و شیره کلامشان گشته که: "این کار خلاف قوانین نافذ افغانستان و خیانت به ملت سی ملیونی افغانستان چیزی دیگر نیست." ! این شعار پیشتر از طرف داکتر عبدالله داده می شود، در حالیکه آقای داکتر عبدالله نیز مانند کرزی دست به تقلب زده و از امکانات دولتی استفاده به عمل می آورد.

کمپاین ارتجاعی امپریالیستی کنونی در افغانستان بخاطر تامین منافع امپریالیست ها راه افتاده و هزینه این کمپاین که به میلیون هادالر می رسد از طرف امپریالیست هاتامین گردیده است. این کمپاین انتخاباتی یک مضحکه بیش نبوده و نیست، امپریالیستهای اشغالگر بخاطر فریب توده هادست به چنین کارهای می زنند، تادر ظاهر وانمود سازند که

برای تعیین "رئیس جمهور" هیچ گونه مداخله ای ندارند، بلکه رئیس جمهور از طرف مردم انتخاب می شود؟! در حالیکه توده هامی دانند که فرد مورد تأیید امریکاییهای اشغالگر به چوکی چاکرمنشی تکیه می زند.

طوریکه برهمگان هویدا است دولت دست نشانده حامد کرزی در طی هشت سالی که از عمر رژیم مفلوکش میگذرد به بهانه ها و وعده های مختلف توده ها را فریب داده و همیشه و در همه جا با وعده وعیدهای سرخرمن آنها را مصروف نگه داشته و بار دیگر این بازی نمایشی را بعنوان پرده فریبی برای اذهان عموم روی دست قرار داده است.

در جمع کسانی که برای آقای کرزی کمپاین انتخاباتی مینماید یکی آن هم والی اسبق ولایت کندهار و وزیر سرحدات فعلی وی آقای اسدالله خالد میباشد.

موصوف کسی است که سابقه جرمی چندین ساله دارد و وضعیت ناگوار کنونی در ولایت غزنی و قندهار جز ثمره کار وی چیزی دیگر نیست.

اسدالله خالد و تیم مافیایی اش که در کندهار نیز کارنامه هایشان به خوبی به چشم میخورد شامل حلقه میباشد که از امکانات حکومتی برای کرزی کمپاین نموده است.

موصوف اخیراً از سوی پارلمان افغانستان نیز به اکثریت آرا برای پست وزارت سرحدات پذیرفته نشد اما ارتباطی که با تعداد از جنگ سالاران چون عبدالرب سیاف، احمد ولی کرزی، قیوم کرزی و خود کرزی داشت توانست به اصطلاح قانون را زیر پا نموده و بدون هر نوع اعتنا به فیصله وکلای پارلمان کرسی وزارت سرحدات را قبضه نماید.

داشتن زندان های شخصی، محلات شکنجه،

مراکز فساد اخلاقی و دزدیدن پول اپراتیفی و بازسازی ولایات قندهار و غزنی از مواردی هستند که آقای خالد به آن متهم است یگانه دلیل که نیروهای کانادایی مستقر در افغانستان با اسدالله خالد روی آن اختلاف داشتند دست داشتن و ارتباط آقای خالد با گروه های قاچاق مواد مخدر و کسانی بود که عملاً علیه نیروهای کانادایی در جنوب افغانستان درگیر بودند.

گزارش های دقیق در دست است که آقای خالد هنگام زمامداری اش در ولایت کندهار و هم اکنون نیز بلوچان فراری و مخالف حکومت پاکستان را در کابل و قندهار نگهداشته است و با حمایت مالی کرزی عملاً از آنها در بی ثباتی های اخیر در شهر کوئته پاکستان کار میگیرد. اسدالله خالد و حلقه مافیایی اش که تعداد از جاسوسان اداره استخبارات امریکا نیز شامل آن است در مسلح سازی ملیشه های ضد دولت پاکستان نیز دست دارند.

قتل خبرنگاران و ترور شخصیت های ملی در جنوب و جنوب شرق کشور نیز بخش دیگری از پلان های اسدالله خالد، قیوم کرزی، عارف نورزی و خود کرزی میباشد.

این تیم طی چند سال اخیر به شکل حلقوی بعضی از پست ها را اشغال نموده اند و با امکانات وسیع مالی دولتی که در اختیار آنان

و تحکیم استراتیژی نیروهای امپریالیستی به فعالیت‌های به اصطلاح مبارزاتی دست زده اند نیز باید بدانند که چه کسانی که در انتخابات ریاست جمهوری دست نشانده به عنوان کاندیداتوران ریاست جمهوری دست به فعالیت زده اند و چه کسانی که به عنوان کاندیداتوران شوراهای ولایتی در عرصه عمل وارد میدان گشته اند همه و همه در جمع خائنین ملی و خادمین دربار امپریالیزم درآمده اند و توده های زحمتکش آنها رادزمره خائنین ملی در دادگاه انقلابی شان محاکمه خواهند نمود، آروز دیر نخواهد بود.

نبودند به اسم های مختلف و چهره های دروغین بر علاوه اینکه هیچ نوع سهم را در بازسازی و رفاه مردم ما ایفاء نمودند بلکه این سرزمین را به وضعیتی دچار ساختند که اکثریت مردم را سرخورده نموده و مایوس از آینده نموده است. آقای حامد کرزی و باند مافیائی اش باید این را بدانند که اگر به چهره های منفور اجتماع به شمول برادران خود اختیار چپاول دارایی های عامه را میدهند - روزی به دادگاه مردمی و دادگاه خلق انقلابی کشانیده خواهد شد همچنان تمامی کاندیداتورانی که تسلیم طلبی و انقیاد را پذیرفته و در خدمت تداوم اشغال

است توانستند صدها تن از افغانستانی های بی گناه را از بین برده و حتی کسانی را از انظار عامه محو نمایند که برای بازسازی تطبیق دموکراسی حقوق بشر و آزادی های فردی کار مینمودند. گزارش هایی در دست است که آقای خالد و تیم کرزی همین اکنون در داخل ولایت کابل برای حامد کرزی کمپاین مینمایند و در دیدار های خود با تعداد از موسفیدان و بزرگان قومی بار دیگر برای به دام انداختن آنان به وعده های دروغین اتکاء نموده اند. طی چند سال اخیر افرادی که هیچ نوع کارایی نداشتند و جز افراد منفور جامعه چیزی دیگری

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی را قاطعانه تحریم کنیم!

قرار است دور دوم انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی به روز ۲۹ اسد ۱۳۸۸ برگزار شود. به یقین کامل میتوان گفت که این انتخابات نمیتواند چیز دیگری جز یک حرکت نمایشی عوام فریبانه باشد.

برهنگان هویداست که مبارزات به اصطلاح انتخاباتی صرفا مبارزه قدرت میان چند نفر مزدور است و مردم در این انتخابات هرگز آزادی و رفاه خود را نمی بینند. این دستهای پلید قدرت های جهانخوار اشغالگر، متجاوز و مداخله گر هستند که گودی های کوکی بی را زیر نام کاندیداتوران به اصطلاح انتخابات در افغانستان به حرکت در آورده اند.

علیرغم دموکراسی نمایی های امپریالیستی - ارتجاعی، حضور چند زن بصورت نمایشی در صحنه به اصطلاح مبارزات انتخاباتی جاری، اختصاص تعدادی از کرسی های وزارتخانه ها و پارلمان رژیم پوشالی به زنان و غیره و غیره، به صورت کلی هیچگونه تفاوت اساسی در وضعیت زنان در طول عمر رژیم دست نشانده به وجود نیامده است. زنان در این کشور از ابتدای ترین حقوق خود محروم اند. آنان نباید بدون اجازه شوهران شان از خانه بیرون شوند، کار نمایند و یا دست به فعالیت های اجتماعی بزنند. هم اکنون خود سوزی ها، ازدواج های اجباری، خود کشی ها و اعتیاد هزاران هزار زن به مواد مخدر و تجاوزات وحشیانه جنسی در سراسر کشور شایع میباشد و تا زمانی که حاکمیت پوشالی کنونی بر سر کار باشد، هیچگونه امیدی برای پایان دادن به وضعیت ناگوار نمی تواند وجود داشته باشد.

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان" این انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی را یک خیمه شب بازی فریبکارانه می داند و قاطعانه تحریم میکند. امیدواری در جهت تامین صلح و ثبات و تامین دموکراسی و حقوق زنان در زیر چکمه های نظامیان متجاوز و اشغالگر امپریالیستی در افغانستان توهمی بیش نیست. اوضاع سیاسی کشور نشان میدهد که ارائه هر گونه راه حلی بجز برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده، بخاطر اخراج کامل اشغالگران امپریالیست از کشور و سرنگونی رژیم پوشالی، راه رفتن به بیراهه است

در مبارزات به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم، نقش پیدا و پنهان امپریالیزم امریکا تعیین کننده است. بخصوص در انتخابات ریاست جمهوری رژیم، حرف اول و سخن آخر تایید در مورد کاندیدای پیروزمند در انتخابات را امپریالیستهای امریکایی می زنند و تعیین کننده مهره ایکه باید در راس حاکمیت پوشالی قرار بگیرد، آنها هستند. از همین رو تمامی کاندیداتوران مهم ریاست جمهوری رژیم هر کدام به نحوی چشم انتظار حمایت های بی دریغ امپریالیستهای امریکایی نشسته اند. آنها بخوبی می دانند که برای انتخاب آنها رای مثبت امریکا بیشتر موثر خواهد بود تا رای توده های زحمتکش افغانستان. این حالت نشاندهنده عمق فاجعه در کشور مستعمره - نیمه فتودال افغانستان است.

امپریالیستهای امریکایی مدعی بیطرفی در انتخابات هستند. این ادعا واقعیت ندارد. امپریالیست های امریکایی فقط و فقط از پیروزی کاندیدی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم پشتیبانی می نمایند که استراتیژی نظامی - سیاسی زمامداران کاخ سفید در افغانستان را تأیید نماید و در چوکات آن خادم و خدمتگار شان باشد.

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان" تمامی نیروها و شخصیت های ملی، دموکرات و انقلابی کشور را به تحریم هر چه قاطعانه تر این انتخابات امپریالیستی - ارتجاعی فرا میخواند و از تمامی آنها می طلبد که برای برپائی، گسترش و شگوفایی روز افزون مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی تلاش نمایند. ما به نوبه خود با تمام قوت و توان در راستای سازماندهی وسیع و سرتاسری این مقاومت کوشش می نمائیم.

" دسته هشت مارچ زنان افغانستان" یکبار دیگر اعلام می نماید که مقاومت علیه اشغالگران امپریالیست و دست نشاندهگان آنها، حق و مسئولیت وطنی و ملی مردمان افغانستان است. ما اعلام می کنیم که مبارزات مان را در مسیر مقاومت ملی مردمی با جهتگیری انقلابی یکجا با سایر نیروهای مردمی و انقلابی افغانستان به پیش می بریم. یقین کامل داریم که چنین مقاومتی قادر خواهد بود نه تنها اشغالگران را از کشور اخراج و دست نشاندهگان شان را سرنگون نماید، بلکه به مثابه مرحله ای از مبارزات توده ها در جهت نابودی نهایی نظام استثمار و ستم عمل خواهد نمود. چنین مقاومتی قادر است حمایت توده های مردمان جهان، منجمله مردمان اضلاع متحده امریکا و سایر کشور های امپریالیستی را نیز جلب نموده و ضربات کاری ای بر کل نظام امپریالیستی حاکم بر جهان وارد نماید.

به پیش در راه تحریم هر چه قاطعانه تر دور دوم انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی رژیم پوشالی!
به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان --- ماه اسد ۱۳۸۸

فساد در داخل پوهنتون ها

هماسه کوهستان
۲۷ جوزای ۱۳۸۸



، زنان ستمدیده کشور را در معضله خاصی قراردادده است و آنها با تن دادن به خواهشات مردان ، علی الخصوص استادانی که فاقد بینش سیاسی میباشند توانسته اند فاکولته را به پایان برسانند.

اینک میگویم چرا عده ائی از زنان کشور در درون محلات آکادمیک به چنین اعمالی دست میزنند؟ هویداست که درباره جامعه ائی که استقلال و آزادی آن به بغما برده شده ، مردمان آزادیخواه آن در قید اسارت نیروهای ۳۷ کشور امپریالیستی و درراس امپریالیزم لجام گسیخته امریکا قرار گرفته اند و از طرف دیگر با شوونیزم غلیظ مردسالاری و پدرسالاری در جامعه و خانواده قرار دارند و باینکه به ازدواج های اجباری تن داده اند و از طرف دیگری تحت فشار اقارب و خویشاوندان خود قرار میگیرند.

عده ائی از زنان ستمدیده را وادار ساخته است تا با تن دادن به مسائل جنسی اولاً خواهشات کشته شده درونی خود را با هزاران ترس و لرز اقتناع نمایند و در مقابل به اخذ نمره بالا از طرف استادان نائل آیند. و در آخر به این سوال برمیخوریم که :

راه نجات ازین فساد دامن گیر اجتماعی چه میباشد؟؟؟

بله :

زنان ستمدیده افغانستانی و دانشجویان جوان ما باید به این نکته از درک برسند که راه نجات در تسلیم شدن در مقابل شوونیزم مرد سالاری ، تن دادن به انقیاد و بردگی و سر تسلیم فرود آوردن به نظام منحط پوشالی رژیم دست نشانده ، نمی باشد.

راه نجات مردمان کشور برپائی یک مقاومت جانانه در مقابل امپریالیستهای اشغالگر ، فرو

تجاوز اشغالگران و فروپاشی نظام فرتوت حاکم در راه تامین دولت سکولار مردمی گام های ارزنده بگذاریم.

بگذاره به کسانیکه بی شرمانه زیر چتر حمایت متجاوزین اشغالگرو رفته اند بگوئیم که توده های ستمدیده مردم را نخواهید توانست فریب داد بلکه توده های رنجدیده این دیار با وقار کامل دور محور مقاومت ملی مردمی و انقلابی گرد خواهند آمد.

زنی را که درین مقاله از آن نام برده ام خود نیز گوشه ائی بسیار کوچکی از قربانیان تجاوز جنسی در افغانستان است. این حالت نه تنها در درون دانشگاه ها بلکه در گوشه و کنار کشور مشهور و هویداست.

سوال: چه کسی مقصراست؟ و چرا عده ائی از زنان کشور به چنین اعمالی دست میزنند؟ و راه نجات و درمان این فسادها چه میباشد؟ در وهله اول مقصر اصلی نظام حاکم اجتماعی ، فقر و فلاکت توده های ستمدیده این دیار و در قدم دوم شعور سیاسی و حاکمیت شوونیزم غلیظ مردسالاری در کشور است.

دختران جوان در اکثریت دانشگاه های کشور تحت فشار چنین ستمی قرار گرفته اند ، در فاکولته انجینیر هرات نیز چنین اعمالی بسیار زیادتر اتفاق افتاده و در کتاب دولت دست نشانده به ثبت رسیده است. دختران از طرف استادان فاکولته تحت فشارهای روانی فوق العاده شدید قرار میگیرند و استادان از سکوت مطلق و یا سکوت نسبی دختران انتهای سوء استفاده را میکنند. این شیوه تسلط نظام حاکم

گزارشی را که اینک تقدیم میکنم عبارت از فساد درون دانشگاه کابل است. چیزی را که یک تعداد از محصلین بدان پی برده اند.

جریان بدین قرار است : زنی که محصل دانشگاه میباشد برای اینکه نمرات بالایی از استادان اخذ نماید و یا اینکه از همصنفی های پسرش در هنگام امتحان کمک بگیرد دختر خود را به فاکولته میاورد. از یک طرف دختر خود را در میان چند نفر از همصنفی هایش که با وی همکاری هایی به ارتباط درسی دارند رها میکند و از طرفی دیگر خودش بصورت تنهایی به دیدن استادان به داخل اداره پوهنچی میرود. جالب اینجاست که امتحانات ۲۰ فیصد پوهنچی شروع گردیده و در هنگام برگزاری امتحان نه تنها استادان مانع نقل وی نمی شوند بلکه هر جا مشکلی داشته باشد همصنفی های پسرش به او کمک میکنند یعنی نقل میدهند. بعد از ختم امتحان استادان بالا ترین نمره را یعنی بیشتر از ارزش ورق امتحانش به او میدهند.

این شیوه سبب گردیده که زن هر روز بیشتر از گذشته تشویق شود و دست به فعالیت های دیگری به شمول تن دادن به مسائل جنسی بزند و بدین صورت همیشه در صدر جدول قرار گرفته و با بالاترین نمره در میان فاکولته مشهور شود.

اینکار حساسیت یک تعداد از محصلین را برانگیخته است اما متأسفانه همانطوریکه همه میدانیم جنبش دانشجویی در درون دانشگاه ها وجود ندارد ، اتحاد عمل مبارزاتی از میان محصلین رخت بر بسته است و یک نوع بی باور و بی اعتقادی در مقابل جامعه و افراد جامعه برای محصلین دست داده است. محصلین غیر از اینکه تاسف بخورند کار دیگری انجام داده نمیتوانند. جوانان فقط یاد گرفته اند که در مقابل تمامی مصائب و مشکلات بگویند: " به من چه؟" و یا اینکه گریز از زیر بار مسئولیت فردای جامعه اختیار کرده اند.

ما زنان منصوب به دسته هشت مارچ زنان افغانستان تاکید میکنیم تا بخاطر ریشه کن کردن فساد اجتماعی باید پایه های دولت پوشالی را واژگون سازیم و این کار زمانی صورت میگیرد که حرکت جانانه ائی در مقابل نیروهای متجاوز اشغالگر امپریالیستی برداریم و با طرد

پاشی دولت دست نشانده و برپائی نظام نوین اجتماعی که بتواند منافع اکثریت را تامین نماید میباشد.

باید در تصمیم خود مصمم باشیم و گر نه ، تنها خود بلکه اولاد آینده خود را به مصیبت بدتر ازین دچار خواهیم کرد. باید قدم های استوار برداشت ، باید به بسیج فشرده زنان

دسته هشت مارچ زنان افغانستان از درون همین مردم ستمدیده سربلند کرده و از درون کشور به مبارزه پیگیر و همه جانبه آغاز نموده و درین راستا میکوشد تا هر چه شتابنده تر ، کوبنده تر و گسترده تر قدم های ثابت و استوار خود را برای محو نظام حاکم و طرد تجاوز بردارد. خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه

و دختران کوشید ، باید آگاهی انقلابی را در میان مردم برده ، باید شهادت به خرج داد و در مقابل کسانیکه میخواهند ظالمانه حاکمیت کنند و زنان ستمدیده را در انقیاد خود در آورده اند ایستادگی کرد. باید به تمامی آنانی که میخواهند شخصیت های اجتماعی کشور را به بیراهه بکشند ، گوشزد نمود که

موقف زنان در جمهوری اسلامی افغانستان

در طول تاریخ افغانستان زنان زیر بار سیستم مرد سالارانه ستم های بیش از حد دیده اند . از زمان تجاوز امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا گرچه مکاتب باز شده و یکعده از زنان به مقام های بلند دولتی بالا کشیده شده اند. اما در این دوره زنان کاملاً حق شهروندی خویش را از دست داده و به عنوان وسیله ای برای لذت بردن و کامجویی مردان تلقی گردیده اند . چنانچه با طرح ، تصویب و توشیح " قانون احوالات شخصیه اهل تشیع " قوانین منسوخ شده ای که سالیان متمادی است که اعتبار خود را از دست داده و قابل تطبیق در جامعه نبوده ، دوباره بخاطر لذت بردن و کامجویی از جنس زن بعنوان " قانون " تصویب گردیده است .

تصویب و توشیح این قانون به خوبی ماهیت ستمگرانه وزن ستیزانه رژیم جمهوری اسلامی افغانستان را به نمایش می گذارد . در این قانون زنان به منزله بردگان جنسی مرد تعریف گردیده و هیچگاه این قانون زنان را به مثابه انسان و شهروند متساوی الحقوق با مردان نمی شناسد . در این قانون کلماتی مانند " دخول " ، " مدخوله " ، " وطی " ... که در مکالمات روزمره دری و پشتو به عنوان دشنام بکار برده می شود این کلمات تمام بخش های مربوط به نکاح ، طلاق و نکاح موقت را پوشانیده است . در حقیقت امر بکار بردن چنین الفاظ و کلمات بعنوان قانون علاوه بر تحقیر و توهین نسبت به زنان ، حق انسانیت شان را نیز نفی می نماید .

رژیم پوشالی و ملاهای بنیاد گرای مذهبی با طرح ، تصویب و توشیح این قانون در حقیقت امر ، همانطوریکه خود قانون بیان می دارد ، می خواهند که خصوصی ترین مسایل زندگی زنان و مردان کشور را تحت

کنترول خویش قرار دهند . این قانون نیست که اوضاع اجتماعی را بوجود می آورد ، بلکه این ضروریات اجتماعی است که اوضاع اجتماعی را بوجود آورده و موجب وضع قانون می شود . " مادامی که افراد فرا نگیرند که در پس هریک از جملات ، اظهارات و وعده وعید های اخلاقی ، دینی ، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را جستجو کنند ، در سیاست همواره قربانی صغیهانه فریب و خود فریبی بوده و خواهد بود . " عقیده ما بر این است که پایه بردگی زن علل اجتماعی و اقتصادی دارد ، و زیر دست بودن زن از روزی بوجود آمده است که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به میان آمد . زمانیکه مالکیت خصوصی پا به عرصه وجود می گذارد ، همزمان با او به مثابه همزاد ضرور آن ، فحشا حرفه ای زنان آزاد در کنار تسلیم اجباری بردگان بوجود آمد .

همزمان با مالکیت خصوصی ستم مرد بر زن شروع می شود . زن ستیزی ایدئولوژی نیروهای مرتجع و استثمار گر بوده و هست . این ستم به منظور کامجویی و تمتع جستن از جنس زن است . مالکیت خصوصی و طبقه حاکمه فحشا را مانند هر نهاد دیگر اجتماعی نموده است . گرچه لفظاً این عمل محکوم می شود ، اما به خوبی دیده شده که عملاً بر زنان تحمیل گردیده است در صفحه ۹۸ کتاب منشاء خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت ذکر گردیده است که هیتاریزم همانقدر یک نهاد اجتماعی است که هر نهاد دیگر ، عبارتست از تداوم آزادی جنسی کهن به سود مردان . هیتاریزم گرچه در سخن محکوم می شود ولی در حقیقت نه تنها تحمیل می شود بلکه بالذات تمام به خصوص توسط طبقات حاکمه صورت می گیرد . ولی در واقع این

محکومیت به هیچوجه شامل مردانی که به آن اقدام می کنند نمیشود فقط شامل زنان می گردد ، آنها تکفیر شده و طرد می شوند تا بدینوسیله یکبار دیگر سلطه مطلق جنس مذکر بر مونث ، به مقایسه قانون بنیادی جامعه اعلام گردد.

کاریکه امروز ملاهای شیعه به حمایت رژیم پوشالی انجام داده و زنان را از حقوق شهروندی محروم ساخته اند و این نهاد را قانونی اعلام نموده اند . این قانون بیشتر به مردان اجازه داده تا از جنس زن لذت برده ، کامجویی نمایند و به ازدواج های گروهی روی آورند . در حقیقت امر ، امروز در افغانستان فحشا از طرف رژیم پوشالی و بنیاد گرایان مذهبی قانونی اعلام گردیده است . برای مردان این مزیت داده می شود که از ازدواج های گروهی لذت ببرند . اما زنان بیش از پیش از این آزادی محروم می شوند . در حقیقت امر ازدواج گروهی تا همین امروز هم برای مردان وجود دارد . چیزیکه برای یک زن جنایت محسوب می شود و شدید ترین عواقب قانونی و اجتماعی را در بردارد . اما برای مردان افتخار است و حداکثر یک لکه اخلاقی کمرنگ محسوب می شود که او بادل و جان وبالذات تمام آنرا می پذیرد .



هرگاه کوچکترین حرکتی از زنان در این باره



وانگرا گرا است. این حالت بسیار خطرناک می باشد. زیرا مسایلی را که مطرح می کند حقایق را نمی گوید بلکه از کنار حقایق می گذرد. ایشان هیچگاهی خواهان تساوی حقوق زن و مرد نبوده بلکه میخواهند تا زنان مطیع مردان بوده وبه ایشان " تمکین " نمایند. طرح چنین استدلالات پوچ وبی معنی انسانها را نایبنا نموده واز مسیر حقیقی زندگی انسانی ایشان را دور می نماید. زیرا از همه چیز سخن می گوید جز از واقعیت. در همین جهان شریر ودغل نمی توان شریف بود، زیرا در چنین

سرزند اورا بد اخلاق معرفی نموده علاوه بر طرد اجتماع قتلش نیز واجب می گردد. در حقیقت امر در جهان شریر ودغل، اخلاق معنی ومفهومی ندارد. طرح مسایل اخلاقی در جوامع طبقاتی فاسد فریبی برای توده ها بیش نبوده ونیست. لذا باید کوشید که این جهان را تغییر داد. یعنی باید صاحبان مالکیت را سلب مالکیت نمود، با سلب مالکیت از مالکین والغای مالکیت اخلاق معنی ومفهوم خاص خود را پیدا نموده وزنان به شهروندان متساوی الحقوق جامعه با مردان محسوب می گردند.

ایدئولوژی و اخلاقی که امروز از طرف امپریالیست ها ورژیم پوشالی در افغانستان مطرح می شود، غیر واقعی، انتزاعی

جهانی شریف بودن به معنی برده ومطیع بودن است. در چنین جهانی باید اعتقاد داشت که " شورش برحق است". بدون شورش وسرنگونی حاکمیت ارتجاعی نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت وزنان به مثابه انسان وشهروندان متساوی الحقوق با مردان بدل گردند

زنان جوان قربانی قتل‌های ناموسی



رسد. اما پدر دختر مهر ناموس داری را بر قتل زده و می گوید که " دخترم فاسد الاخلاق بود و آبروی خانواده ما را برده بدین مناسبت من او را بقتل رساندم" پولیس از تعقیب و دستگیری پدر دختر منصرف شده بر میگردد، حتی قتل بچه جوان نیز در ضمن قتل دختر ماست مالی میگردد.

رژیم پوشالی که حامی سیستم منحوس مردسالاری است هیچگاه قضیه را تعقیب ننموده و حتی اعتراضات فامیل پسر جوان را نیز کسی نشنید. نه دوسیه ای در کار شد و نه هم تعقیب و تحقیقی.

گزارش دیگر از ولایت هرات بیانگر آنست که عبدالاحد ولد ارباب شیر احمد مسکونه فعلی محل ارباب زاده های باغچه مستوفی و مسکونه اصلی کمونه و بنیاد در شب ۲۴ / ۳ / ۱۳۸۸ همراه همسرش پریسا در بستر خوابش به شکل مرموزی توسط تفنگچه بقتل میرسد. در همان شب پدر عبدالاحد یعنی ارباب شیر احمد هر دو جسد را به پتو پیچیده از خانه بیرون نموده و توسط موتر به کمونه و

هرگاه زنان جوان از یک ازدواج اجباری فرار کنند ویا اینکه پسر بچه ای را دوست داشته باشند وبخواهند اورا برای همسر آینده خویش انتخاب نمایند ویا با پسری که دوست دارند بگریزند متهم به بی آبرویی خانواده شده و قتل شان الزامی است. پدر ویا برادر با قتل زن جوان " آبروی " خانواده را دوباره اعاده می کنند.

در شرایطی که رژیم پوشالی همراه بنیاد گرایان مذهبی برای زنان قانون می تراشد تا ایشان را به برده جنسی مردان تبدیل نماید به سادگی قابل فهم است که در چنین شرایط مطیعانه ای زنان حق تصمیم گیری شخصی بر پایه احساسات خود را نیز ندارند وبه همین خاطر هم هست که اغلب عشق های پنهانی صورت می گیرد، زیرا اگر عشق عشاق بر ملا شود، آنها در معرض خطر مجازات ورسوائی عمومی قرار می گیرند. ازین مثال ها در افغانستان زیاد داریم. این جو نامساعد وتعصبات مزخرف زنان را از تمامی حقوق انسانی وبخصوص حق تعیین سرنوشت (ازدواج) محروم نموده ودر خدمت طبقات فاسد استثمارگر درآورده است، و اگر حرکتی در این راه از زنان جوان سرزند مجازاتش مرگ است.

بنیاد می فرستد. ضمن اطلاع پولیس و امنیت ملی فوراً به محل واقعه آمده فقط توانستند که از داخل خانه لکه های خون را عکس برداری کنند. پدر عبدالاحد به پولیس اجازه تحقیق را نمیدهد. پولیس و امنیت ملی هر دو از محل واقعه بدون اینکه کسی را دستگیر نمایند بر می گردند. روز بعد از طرف امنیت ملی به کمیسیون حقوق بشر تلفن می شود و می گوید که " عجب حقوق بشری که در نزدیکی اش قتل صورت گرفته هیچگونه تحقیقی از طرف شما به عمل نیامده است" از طرف کمیسیون حقوق بشر با تمسخر چنین پاسخ داده می شود: " بلی با تمام این همه نیروی مسلح باید که ما تحقیق به عمل می آوردیم. آقا شما که همه نیروهای مسلح را در اختیار دارید بدون کوچکترین عکس العمل و تحقیقی از منطقه برگشته اید، از ما چه توقع دارید"

گزارش دیگر از ولایت هرات حاکی از آنست که ظرف یکماه گذشته چهار دختر متعلمین مکاتب مختلف توسط بچه های موتر سوار به ضرب چاقوزخمی گردیده اند. اما رژیم پوشالی و " کمیسیون مستقل حقوق بشر " که



گزارش رسیده از هرات حاکی از آنست که یک دختر جوان ویک پسر جوان یکدیگر را دوست داشتند ودختر خواهان ازدواج با پسر بود، حینیکه پدر دختر از جریان واقعه خبر می شود. یکروز دختر و پسر را می طلبد و هر دوی شان را بقتل میرساند. این واقعه از طریق مردم به پولیس اطلاع داده می شود، پولیس فوراً می

از جریان واقع به خوبی آگاه است هیچ تحقیقی در این زمینه بعمل نیاورده و حتی دولت دست نشانده در صدد تعقیب و پیگیری جنایت کاران نبوده نیست. و این مطلب را کاملاً مسکوت گذاشته و حتی در روزنامه و رسانه های گروهی از انعکاس آن جلوگیری بعمل آمد در اخیر ماه سرطان که تعداد زخمی ها به ده تن رسید رژیم مزدورناچار به بیان این مطلب از طریق تلویزیون گردید.

سه مطلب فوق به خوبی بیانگر آنست که رژیم پوشالی حامی قتل های ناموسی است، و اصلاً نمیخواهد که در این باره کوچکترین تحقیقی را حتی در مورد قتل های مرموز بوجود آورد. امروز در افغانستان بسیاری از زنان جوان قربانی قتل های ناموسی اند. اکثریت عظیم زنان قربانی خشونت های خانوادگی می شوند. در بیشتر موارد اجراکنندگان این خشونت ها اعضای خانواده، مانند پدر، برادر و یا شوهر می باشد. زنان حق هیچ انتخابی مگر قبول اجباری را ندارند. آنها مکلف اند با مردانی که دوست ندارند ازدواج کنند، سرکشی از خواست پدر و یا برادر سبب مجازات دختران می گردد. تعداد زیادی از دختران جوان که دست به مقاومت می زنند و بالاخره دست به خودسوزی میزنند و یا اینکه از طرف پدر، برادر و یا شوهر سوختانده می شوند. این خودکشی ها کاملاً تابع محیط است. آیا آن دختر جوان از روز ازل میخواست که در سن جوانی خود کشی کند؟ نه! اینطور نیست. بر عکس او می خواست زنده بماند، تشکیل خانواده داده و

یکجا با همسر و فرزندانش زندگی را سپری کند، تصمیم نهائی به مرگ اجباری را محیط اجتماعی به وی تحمیل نمود.

چرا زنان با این شیوه می جنگند؟ وقتیکه زنان خود را در بن بست می بینند و هیچ امیدی برای حمایت شان از طرف جامعه و طبقه حاکمه وجود ندارد. لذا دست به چنین اعمال می زنند. دستگاه حاکمه هیچگاه خشونت علیه زنان را جدی نمیگیرد و آنرا بدوش فامیل می گذارد تا حل و فصل نماید. این راه حل بیشتر با کشتن زنان همراه بوده و یا اینکه ایشان را وادار به تسلیم نموده که تا عمری در گوشه خانه محبوس باشند. اگر احیاناً موارد مراجعه به محاکمه " عدلی " گردد این زن است که گناهکار شمرده شده و راهی زندان می گردد. در حقیقت هیچ قانونی در افغانستان وجود ندارد که خشونت علیه زنان را از طرف خانواده جرم به حساب آورد. و قانونی که امروز بنام " قانون احوالات شخصیه اهل تشیع " تصویب و توشیح شده است، زنان را به برده جنسی مردان تبدیل نموده است و این قانون اجازه هرگونه دخل و تصرف مردان بر زنان را می دهد. این قانون عمق ایدئولوژی زن ستیزانه جمهوری اسلامی را بنمایش گذاشته است.

روابط عقب مانده نیمه فئودالی و استعماری ستم بر زنان طاقت فرسا نموده است. علیرغم وعده های دروغین امپریالیست های اشغالگر امریکایی و متحدین شان مبنی بر رهایی زنان، ایشان نه خواهان رهایی زنان و نه قادر به رهایی زنان می باشند، زیرا منافع آنها در برقراری

مناسباتی است که چنین ستمی را اعمال می کند. امپریالیست های اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا امروز به جنایتکار ترین اشخاص اعم از فئودالان و سرمایه داران کمپرادور و باند مافیای مواد مخدر متکی گردیده و حمایت شان می کند. به این دلیل هیچ قانونی برای حمایت زنان در مقابل خشونت خانوادگی بوجود نیامده و نخواهد آمد. بلکه بر عکس قانونی تصویب و توشیح می شود که بیشتر زنان به اندرون خانه کشیده برده، مطیع و شئی برای لذت بردن مردان تبدیل نماید.

در مدت ۸ سالی که از عمر رژیم دست نشانده می گذرد بخوبی دیده می شود که خشونت و قتل های ناموسی در افغانستان رو به افزایش است و رژیم دست نشانده می خواهد که این خشونت ها و قتل ها را به شکل قانونی در آورد. تا دیگر زنان اجازه هیچگونه تعرضی را نداشته باشند. و از این طریق روحیه مبارزه و طغیانگری شان را علیه بی عدالتی های اجتماعی و زن ستیزی بکشند.

برای بر هم زدن این روابط باید که زنان به شرکت در کلیه جنبه های زندگی و فعالیت های اجتماعی تشویق شوند. این رسالت بزرگ تاریخی امروز بدوش نیروهای انقلابی است. تا زنان را در این جهت تشویق نمایند و فقط به این ترتیب است که زنان زندگی محدود خانوادگی و محدودیت های فکری خود را بدور ریخته و فقط به این وسیله است که یک پایه واقعی انقلابی برای ازدواج ها و روابط بین دو جنس بوجود آمده می تواند.

حامد کرزی و رژیم پوشالی اش مسئول تجاوز به زنان می باشند

ای که اتفاق افتاده فقط زنان مجرم شمرده شده و روانه محبس گردیده و مردان برائت یافته اند. در بعضی مواردی که زن مجرم شناخته نشده مردان برای مدت کوتاهی زندانی شده و برائت حاصل نموده و یا اینکه کدام شخص بلند پایه دولتی وسیله ای برای رهایی اش گردیده است.

نیروهای اشغالگر ترویج فحشاء و فساد اخلاقی را در افغانستان سر لوحه کار خویش قرار داده اند، رژیم دست نشانده از خود اختیاری ندارد. از جهادی - طالبی و غیر جهادی یعنی تمام دم و دستگاه این نظام فاسد مجبور است که با ساز بادرش بر قصد و همه ای عملکردش را مورد تأیید قرار دهد. در بعضی موارد که جنایت شان از حد بگذرد آنهم به اشاره خود امپریالیست ها

امپریالیست های اشغالگر علاوه بر اینکه علیه نیروهای قرون وسطائی نمی جنگند، بلکه بیشتر از همه به آنها متکی است. تمام جنایتکاران جنگی را زیر بال و پر خود گرفته و روز بروز آنها را تقویت می نماید. آیا افکار و عقاید ربانی، سیاف، خلیلی، شیخ آصف محسنی و صبغت الله مجددی از افکار و عقاید ملا عمر مترقی تر است؟ آیا نیروهای جهادی - طالبی و ملیشی های جنایتکار کمتر از طالبان مرد سالارانند؟ جواب روشن است که همه سر و ته یک کرباس اند و برادران تنی یکدیگرند. امروز کاملاً عملکرد رژیم پوشالی این مسأله را به اثبات رسانده که تمامی دم و دستگاه این نظام فاسد در خدمت مرد سالاری قرار داشته و دارد. در هر حادثه

از زمانیکه افغانستان توسط نیروهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا اشغال شد، تغییراتی که زندگی زنان را بهبودی بخشید بوجود نیامد، بلکه روز بروز وضعیت زندگی زنان بدتر شده می رود. گرچه امپریالیست های اشغالگر رژیم پوشالی سرو صداهای زیادی در باره " دموکراسی " و " آزادی " زنان از قید مرد سالاری سر دادند. این شعار های کاذبانه و ریاکارانه فقط وسیله ای برای اشغال افغانستان بوده و می باشد. روشنفکران مرتجع و تسلیم طلب به زنان امیدواری میدادند که امپریالیست ها علیه نیروهای قرون وسطای طالبان می جنگند و شعار های " دموکراسی " و " آزادی " را برای شان به ارمغان می آورند. اما گذشت زمان به اثبات رساند که



تحقیق به این نتیجه رسیده اند که این دونفر مجرم اند حتما جریان تحقیق با شهود همراه بوده است . آنها را به یازده سال حبس محکوم کرده و نتایج کارش را علنا اعلان نموده است . آقای کرزی بدون تحقیق و در جریان گرفتن تحقیقات و دیدن شهود نتیجه عکس را گرفته است . آقای کرزی مامورین تحقیق قاضیان ثلاثه را باید به محکمه احضار نموده و علنا ایشان را محاکمه کند که بار دیگر مردمان " بیگناه " را به یازده سال حبس محکوم نکند . خانم نیلاب سخنگوی یونیماد باره رهائی این دونفر عکس العمل نشان داده و گفت : " این عملکرد رئیس جمهور مایه تعجب و نگرانی ما است . آقای رئیس جمهور با این عملش به مردان جرأت بیشتری می دهد تا به تجاوزات جنسی دامن زنند و روز بروز این تجاوزات ابعاد گسترده ای به خود بگیرد " (اخبار تلویزیون طلوع)

ظاهرا عکس العمل نشان داده و آن عمل را " محکوم " نمایند . چنانچه کشتار غیر نظامیان در افغانستان ، مرتباً اتفاق می افتد ، زمانیکه این کشتار به شکل فاجعه ای بروز می کند رژیم پوشالی از مردم معذرت می خواهد و از نیروهای بادارش می خواهد که دیگر دست به چنین عملی نزنند و جادر جا اظهار می دارند که ما به نیروهای خارجی نیاز داریم بیرون کشیدن آنها در سرلوحه کار ما نیست (اظهارات سخنگوی ریاست جمهوری در بمباران هوایی ولسوالی شیندندولایت هرات) . حامد کرزی چند هفته قبل نگرانی خویش را از تجاوزات جنسی بالای دختران اظهار داشت اما عملاً حامی چنین تجاوزاتی است .

جالب ترین مطلب اینکه دو سال قبل دو نفر بالای یک دختر در سمت شمال تجاوز جنسی نموده و بعد از دستگیری به جرم شان اعتراف می کنند و از طرف محکمه ثلاثه رژیم پوشالی به یازده سال حبس محکوم می شوند . بعد از مدتی پدر دختر آن دونفر را می بیند که آزاد شده اند . پدر دختر به عنوان اعتراض به پولیس و محکمه شکایت می کند . استره محکمه تأیید می کند که از طرف محکمه ثلاثه ایشان به یازده سال حبس محکوم گردیده اند ، اما شخص آقای کرزی به دستور و امضای خودش آنها را آزاد می کند . از ما دیگر کاری ساخته نیست . این مطلب را آقای سنجر رئیس پالیسی دفتر ریاست جمهوری و سخنگوی آقای کرزی تأیید نموده و با کمال بیشرمی می گوید که چون از دونفر به زور اقرار گرفته شده و آقای کرزی تشخیص نموده که آنها بی گناه اند لذا تصمیم به رهائی شان گرفتند و شخصا اقدام به رهائی شان کردند . زهی حماقت و بی شرمی ! (اخبار تلویزیون طلوع)

سوال اینجاست که آقای کرزی از کجا دانسته که آنها بیگناه اند و به زور از ایشان اقرار گرفته شده است ؟ از یکسو اگر چنین است پس چرا آنها تیکه بزور شکنجه ایشان را و ادار به اعتراف نموده اند به محکمه معرفی نکرده و به محاکمه نکشاند است . حداقل طبق قانون قلبی و ساخته و پرداخته بادارانش که میگوید هیچ کس حق ندارد که با زور و جبر متهم را و ادار به اعتراف نماید عمل نکرده است . اگر این حرف آقای سنجر و سخنگویش صحت دارد کسانیکه مامور تحقیق دوسیه بوده اند خلاف قانون عمل نموده باید مجازات شوند و ثانیاً اینکه کسیکه مجرم این عمل ناشایست بوده مورد تعقیب و پیگرد قرار گیرد . در حالیکه دونفر آزاد شدند ، اما مجرم معلوم نیست . از طرف دیگر محاکم ثلاثه رژیم در جریان

کشور اند چنانچه تمامی هتل های کابل که توسط خارجیان اداره می شود ، فاحشه خانه های رسمی است . گند و کثافت این عمل ناشایست چندین مرتبه از طریق تلویزیون ها به نمایش گذاشته شده که دسته زنان بنا به جرم فحشا از کشور اخراج گردیده ، اما دسته ای دیگری جایش را پر نموده است . به جرأت می توان گفت که فحشاء و فساد اخلاقی صد برابر دوره امارت اسلامی طالبان است ، تمامی فاحشه خانه ها ثبت در دفتر جرایم جنائی بوده و از ایشان علاوه بر لذت شهوانی ، جنسی و عواید مالی به عنوان جاسوسان رژیم استفاده می گردد . رژیم منحوس نه تنها حامی این جنایات بوده ، بلکه مروج مواد مخدر و حامی قاچاقچیان نیز می باشد . در راس این باند مافیا برادر کرزی به حمایت شخص کرزی قرار دارد ، چنانچه از سمت شمال کاملاً کشت مواد مخدر برچیده شده و از سمت مشرقی نیز ۹۰ درصد این کشت برچیده شده است و فقط تراکم کشت و قاچاق مواد مخدر در قندهار ، هلمند ، ارزگان و زابل متراکم گردیده . دلیلش این است که در این منطقه برادر کرزی باند مافیائی را رهبری می کند .

گزارش دیگر حاکی از تجاوز پولیس سرحدی ولایت تخار بالای یک دختر خورد سن می باشد که در این گزارش آمده است وقتیکه پولیس سرحد به همراه یک نفر از کمپنی های خصوصی بالای دختر تجاوز می کنند ، فوراً آنرا به قتل میرسانند . این گزارش از طریق تلویزیون آریانا ساعت ۸ شام روز دوشنبه پخش گردید . خبرنگار تلویزیون زمانیکه از پدر دختر سوال کرد که شما از دولت و شخص

آقای کرزی از کجا تشخیص داده که آنها بیگناه اند ؟ بدون شک و بطور قطع این دونفر از باند های جنایتکار مربوط شخص کرزی است . زمانیکه قوماندان باند نزد کرزی رسیده و خواهان کمک به ایشان شده کرزی فوراً دستور آزادی شان را صادر نموده است . بدون شک تمامی متجاوزین به حقوق انسانی زنان و دختران خورد سن یا خود اراکین جنایتکار بلند پایه دولتی اند و یا وابسته به این باندها می باشند ما از این نمونه بسیار داریم و همه را یکبار در مقالات متعدد بر شمردیم . تجاوز رئیس اصلاح و تربیت اطفال ولایت بادغیس بالای دختر محبوس ، تجاوز پسر پابنده نماینده " مردم " سر پل در پارلمان بالای دختر ۸ ساله ، تجاوز پسر ولسوال شیندندولایت دختر ۸ ساله ... هیچکدام به میز محاکمه کشیده نشده اند و اگر احیاناً محاکمه در کار بوده برائت حاصل نمودند .

زمانیکه گلابشاه بالای دخترش در ولایت هرات تجاوز می نماید طب عدلی ، ریاست امور زنان و پولیس تجاوز را تأیید نموده و گلابشاه را دستگیر می کنند . موضوع تجاوز پدر بالای دخترش سر لوحه تمام رسانه ها می شود ، اما بعد از یکماه گلابشاه آزاد می گردد . مادر و دختر مجرم شناخته می شوند و روانه زندان می گردند . اینها هزاران مثال دیگر بیازگر این مدعا است که نظام فاسد جمهوری اسلامی افغانستان از کرزی گرفته تا تمامی جنایتکاران شامل در این سیستم حامی این جنایات هولناک اند . و همه به شمول باداران شان مروج فحشاء و فساد اخلاقی در

می توان گفت که تجاوز جنسی و بقتل رساندن زنان در افغانستان زیر چتر حمایتی نظام جمهوری اسلامی بیش از هر کشور دیگری است. دلیلش واضح و روشن است و فوقا تذکر آن رفت.

امروز جنایت در افغانستان حد و مرز ندارد، پدر بالای دخترش تجاوز می کند، او را می کشد، زبانش را می برد و یا شوهر زنش را گوش و بینی می کند، انگشتان پایش را با تبر قطع می کند، با آب جوش و یا پترول او را می سوزاند... اما محاکمه ای در کار نیست یا دوسیه همانطور بسته می ماند یا از طریق محکمه برائت حاصل می کند و یا اینکه توسط شخص کرسی آزاد می شوند. رهائی از این جنایات هولناک در گرو بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده می باشد و بس.

و به قتل رساندن دختر را از طرف پولیس سرحدی و یک کارمند شرکت خصوصی تأیید نموده و اظهار داشتند که: " در این قضیه شش نفر پولیس سرحدی و یک کارمند شرکت خصوصی دستگیر شده اند و قضیه تحت تعقیب است "

این دوسیه نیز مانند دوسیه های دیگر بسته ماند و هیچگاه مجرمین محاکمه نگردیدند، زیرا کرسی و دیگر قلد رمنشان از مجرمین بدفاع برخاسته و آنها حتما بعد از مدتی از زندان آزاد شده، پولیس و محکمه از " تعقیب قضیه " صرف نظر نموده اند.

عملکرد وحشیانه رژیم دست نشانده به فاسقین و جنایتکاران آنقدر جرأت داده که روزی نیست واقعه ای تجاوز و به قتل رساندن زن و یا دختری را نشنویم و با جرأت

رئیس جمهور چه انتظاری دارید، پدر دختر در پاسخ گفت: " کدام دولت و کدام رئیس جمهور؟ این دولت، دولت نیست و این رئیس جمهور، رئیس جمهور ما مردم بیچاره و غریب نیست. همه این ها از جنایتکاران و تجاوزگران پشتیبانی می کنند این عمل ایشان است که همه روزه روی دخترهای خورد سن تجاوز می شود و آنها را به قتل می رسانند. ما انتظاری از ایشان نداریم، زیرا می دانیم که هیچ مجرمی محاکمه نمی شود. "

زمانیکه خبر نگار از والی تخاردر مورد تجاوز پولیس سرحدی و به قتل رساندن آن سوال کرد والی تخار علاوه بر تأیید موضوع گفت: " این ششمین تجاوز بالای دختران خورد سن در ظرف یکسال گذشته است " آمر جنایی و حارنوالی نظامی نیز تجاوز

ستم بر زن ریشه در فرهنگ مردسالاری دارد

ناهید

زنان باید بطور قطع آگاهی سیاسی شان را بالابرنند، یعنی اولاً باید که صاحب خود آگاهی شوند و ثانياً مهارتهای مبارزه علیه این رژیم کثیف را کسب کنند. آگاهی سیاسی نقش قاطعی برای دادن روحیه مبارزه جویانه علیه سیستم منحط جامعه بازی میکند. بدون خود آگاهی، زن اشتیاقی به پرواز در آسمان بلند نخواهد داشت و پایبند محیط به اصطلاح گرم کوچک خانواده شده و به زندگی مادی و آسایش تسلیم میشود. بدون مبارزه علیه نیروهای اشغالگر و بیرون راندن کامل شان و سرنگونی رژیم دست نشانده آزادی زنان غیر ممکن است.

رأبه قتل رسانده اند و مهر ناموس داری بر قتل زدند فوراً آزاد گردیدند. یقیناً که حامد نیز محاکمه نخواهد گردید. ستمگری جنسی در بنیادهای فکری و عقیدتی تمامی نیروهای مرتجع نهفته است. از نظر ایشان زن "ملکیت" مرد است و مرد مالک وی. از نظر ایشان مردان حق هرگونه تصرف و تسلط بر "ملکیت" خویش را دارد. در دیدگاه زن ستیزی و ارتجاعی نیروهای مرتجع تنبیه و بالاخره نفی فیزیکی زن، امریست بدیهی و حق برسمیت شناخته شده مردان.

حاکمیت فرهنگ مرد سالاری در جامعه باعث میشود تا زنان بیش از پیش تحت ستم قرار گیرند این ستم ها از نواحی مختلف بالای زنان افغانستان اعمال میشود، حمایت بیدریغ رژیم پوشالی از سیستم مردسالاری به مردان جرات بیشتری داده تا به زنان به منزله برده رفتار نمایند. روی این ملحوظ است که امروز لت و کوب، بریدن گوش و بینی و حتی نفی فیزیکی زن به یک امر عادی تبدیل گردیده است. طبق گزارش رسیده از ولایت بادغیس ریحانه دختر جوانی که همراه حامد عروسی می نماید (البته این ازدواج مصلحتی است، یعنی مادر و پدر طرفین در این ازدواج نقش دارند) ریحانه بعد از عروسی وضعیت خوبی در خانه نداشت. مادر شوهر همیشه در کارهایش مداخله مینمود و پسرش را با او در آویز مینمود و همیشه مورد لت و کوب حامد قرار میگرفت، تا اینکه روزی حامد عصبانی است و مادرش نزد وی از زنش شکایت مینماید حامد طبق روال معمول شروع به لت و کوب ریحانه مینماید آنقدر او را میکوبد که از هوش می رود بعد از اینکه ریحانه بیهوش میشود حامد او را حلق آویز میکند و دختر بیچاره جانش را از دست میدهد بعد از قتل ریحانه حامد فرار مینماید. زمانیکه پولیس می آید و از مادر حامد جریان قضیه را جویا می شود مادر حامد میگوید که ریحانه بدکاره بود و حامد به این خاطر او را کشت در طول مدت هشت سالی که از عمر رژیم پوشالی میگذرد، تمامی مردانی که زنان شان



وضعیت زنان در جامعه و زندان های رژیم فعلی

نیسان

۲۳ سرطان ۱۳۸۸

در جامعه افغانستان که یک جامعه مردسالار است زنان بیش از حد، تحت ستم قرار دارند. این ستم ها به اشکال گوناگون بالای زنان تحمیل میشوند. از زمانیکه یک زن تولد میشود تا دم مرگ به مثل یک برده حیات به سرمیبرد که مدتی از عمرش تحت اسارت پدر و برادر و مدت دیگر آن در قید شوهر میگذراند.

زنان در جامعه افغانی علاوه بر اینکه از تمام حقوق انسانی محروم اند حتی در مسائل کوچک خانوادگی ابراز نظر کرده نمیتوانند. همیشه ناقص العقل گفته میشوند و بنام های سیاسی، و عاجزه توهین میشوند. در بسیاری از حالات از طرف پدر، برادر و یا هم شوهر به قتل میرسند و این قتل از طرف رژیم پوشالی یک قتل ناموس داری پنداشته شده و مجرم بدون مجازات رها میشود و در بعضی حالات مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند و همچنان ازدواج های اجباری بالایشان تحمیل میشود در جامعه ما زنان از تمام حقوق انسانی محروم اند و مردان آنها را اموال شخصی خود میدانند بدون اینکه درک کنند که زن هم مانند مرد یک انسان آزاد است. علاوه بر اینکه زنان از طرف فامیل مورد ستم قرار میگیرند رژیم پوشالی فعلی نیز به بهانه های

مختلف زنان را توهین، تحقیر و حتی زندانی میکنند که زنان در زندان به حالت بسیار فجیع زندگی میکنند زنان در زندان از طرف مسئولین زندان مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند و همراه مادران زندانی، اطفال خورده سال شان هم در زندان نگهداری میشوند که این خود بالای روحیه مادر و طفل اش تاثیر منفی دارد وضعیت زنان در زندان تا حدی بد است که خود رژیم پوشالی نیز بالای این جنایت خود اعتراف کرده و گزارشی که روز شنبه به تاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۸۸ از طریق تلویزیون طلوع نشر گردید، تعداد زنان زندانی را ۲۵۰ زن گفت که به گفته مسئولین زندان این زنان به جرم های مختلف زندانی شده اند و بدون اینکه بالای دوسیه شان در حارنوالی و محکمه کار شود در زندان به سرمیبرند. وقت آزادی شان هم معلوم نیست.

وقتیکه از مسئولین زندان پرسیده شد که تعداد کثیر این زنان به کدام جرم زندانی شده اند در جواب گفت: که این زنان به جرم فساد اخلاقی زندانی شده اند. درینجا باز هم تنها زن مجرم شناخته شده و در حالیکه وقتیکه یک زن دست به فساد اخلاقی میزند طبیعی است که مردم هم همراهش شریک است اما مرد بدون کدام

پرسان و سوال رها میشود. با در نظر داشت این همه، سوال اینجا مطرح میشود که مسئول این همه مشکلات کیست؟ و چگونه ما زنان افغانستان میتوانیم خود را از این مشکلات و ستم ها نجات دهیم. مسئول این همه مشکلات، اشغالگران و رژیم دست نشانده آنهاست و ما زنان در قدم نخست باید گام های برجسته در پرد اشغال و فروپاشاندن رژیم فعلی برداریم و ساختار جامعه خود را که یک جامعه مرد سالار است تغییر بدهیم و جامعه وقتی ساخته می شود که ما زنان دوشادوش مردان مبارز و انقلابی به مقاومت ملی، مردمی و انقلابی برای بیرون راندن نیروهای اشغالگرو سرنگونی رژیم دست نشانده دست به مبارزه زده و این مبارزه را تا آخر ادامه دهیم. زیرا حق تحفه نیست که از طرف اشغالگران و رژیم دست نشانده به ما هدیه شود، بلکه می توانیم آزادی خود را از طریق مبارزه و بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده بدست آوریم. باید دیگر نگذاریم تا به نام های مختلف توهین شویم و به بهانه های مختلف فروخته شده و یا با کدام حیوان تبادل شویم تمام این حقوق فقط از طریق مبارزه خستگی ناپذیر بدست می آید.

جنايات هولناک دکانداران دين

هماسه کوهستان
گزارشگر نبره زن

مردم شريف هرات که سخت پای بند ارزشهای اخلاقی خود هستند باید مطلع گردند که چهره های درنقاب اسلام و دين چه جنايات هولناکی را در همين دوسه ماه اخير در سطح تنهايک ولسوالی (ولسوالی انجيل هرات) انجام داده اند که مردم از همه جایی خبر، از واقعیت زشت اعمال این دکانداران دين اطلاعی ندارند. روز ۴ شنبه ۱۳۸۸/۵/۲۱ جهت اخذ تذکره به ولسوالی انجيل رفته، شعبه احصائيه نفوس برایم گفت که هفته آینده بیاید. چونکه به ولسوالی آمده بودم از یکسو خواستم تا آشنائی پیدا کنم که بتوانم توسط آن تذکره بگیریم و از سوی دیگر هم در جستجوی آن بودم که در سطح ولسوالی چه میگذرد: از قضا شخص شناخته من در شعبه حارنوالی ولسوالی انجيل کار می کرد، آنجا رفتم که در این اثناء هیاتی از "حقوق بشر" رسید و بعد از چند دقیقه از حارنوال پرسیان نمود که قضیه مولوی صاحب چگونه است. حارنوال در جواب گفت کدام مولوی؟ هیات با تعجب پرسید نمود شما چند مولوی تحت بازجویی دارید؟ حارنوال گفت: "سه نفر، یکی مولوی محمد اعلم ولد محمد اعظم مسکونه قریه اسحق سلیمان میباشد که حدود دوماه قبل قصد تجاوز به زن برادر خود را نموده و صبح زود قبل از نماز صبح به بهانه نماز به بالین زن برادرش رفته و ابتدا او را می بوسد و بعدا قصد پلیدش را انجام میدهد. زن برادر که شوهرش در سفر است از این قضیه ناراحت و عصبانی گردیده و بالاخره دست به خود سوزی زده و سخت مجروح گردیده است اما فامیل ظالم شوهر و مولوی محمد اعلم برای روپوش گذاشتن به جنایت نه تنها او را به شفاخانه وداکتر نبرده، بلکه او را در یک اتاق کثیف محبوس و زندانی ساخته تا قضیه توسط ارگانهای پولیس و حارنوالی کشف گردیده و مولوی صاحب را پولیس دستگیری نماید. مادوسیه اش رابسته و به محکمه روان نمودیم." بعد از تحقیقات که در این باره انجام دادم معلوم گردید که مولوی از آنجائیکه رسوخ و نفوذ زیاد در بین اراکین دولت داشته

و پولدار هم است سرکیسه راشل نموده از طریق محکمه آزاد می گردد. دومی خطیب ملا غلام حضرت که اصلیت از روضه باغ ولسوالی گذره است و فعلا مسکونه غیزان جویچه و در یکی از مساجد قریه کبرزان ملا امام است. در حریم مسجد به یک طفل هفت ساله تجاوز جنسی نموده که اکنون دوسیه آن در حارنوالی و محکمه انجيل تحت دوران قرار دارد. سومی شخص بنام مولوی غلام سخی که هم در هرات سکونت دارد و هم در نیمروز، خواهرزاده خود را اختطاف و به نیمروز برده و بعد از تجاوزات چندین باره و مکرر به خواهرزاده خود او را به شخص دیگری در بدل دونیم میلیون تومان می فروشد. این دوسیه نیز تحت دوران میباشد. ضمناً این مولوی صاحب عضو فعال جماعت تبلیغی نیز می باشد. گرچه تمام ملاحاها به شکلی از اشکال وابسته جماعت تبلیغی اند و همه روزه از روی منبر درباره خدا، دين نهی از منکر و امر به معروف صحبت های دارند، عده زیاده تر اینها مشمول جماعت تبلیغی رژیم دست نشانده بوده که از طریق اشغالگران و رژیم دست نشانده پول می گیرند و به نفع اشغالگران مردم را گول می زنند و یک عده ای هم به نفع طالبان و کشورهای ارتجاعی منطقه (ایران و پاکستان) فعالیت دارند و جیره خوار ایشان می باشند. هردوی ایشان در حقیقت اجیر و برده بیگانگان بوده و علیه منافع ملی می باشند، و تمام جنايات هولناک و ضد بشری خویش را در زیر این لفافه و ابوابا دین پنهان نموده و رژیم دست نشانده نیز حامی ایشان میباشد. چنانچه در طول این دوماه هیچ رسانه ای خبری درباره جنايات هولناک ایشان تبصره ای ننموده و چهره ای ضد بشری شان به همان شکلش توسط رژیم میهن فروش پنهان باقی مانده است. زمانیکه دوسیه به محکمه میرسد فوراً مولوی صاحب آزاد گردیده و بی گناه شناخته میشود و گناهکار آن زن بیچاره قربانی شده که نخوابسته زیرا این بارتنگین زندگی نماید و دست به خود سوزی زده شناخته میشود. که متأسفانه هر جاکه

رفتم نتوانستم از حال زن خبردار شوم. یقیناً دوسیه دوفرد دیگری از مولوی صاحبان که در ولسوالی انجيل هرات تحت دوران است، زمانیکه به محکمه برسد هردوی شان آزاد میگردند. مردم شريف افغانستان! باید بیدار و آگاه بود که هیچگاه فریب این جنایتکاران و دکانداران دين رازیر نام های ملا، خطیب، مولوی، جماعت تبلیغی، حجت الاسلام و آیت الله رانخورد و در هر کجا که هستید چهره خائنه و اعمال جنایتکارانه و اهداف پلید شان را افشاء نمائید. در ضمن باید بدانید که تمام این اعمال جنایتکارانه تحت حمایت رژیم دست نشانده و بادران امپریالیستی شان انجام می گیرد. اشغالگران به منظور رفاه، آسایش و اخلاق انسانی در افغانستان نیامده و رژیم تحت حمایتش نیز به هیچ اصول و قوانین انسانی پای بندی ندارد. بلکه بیشتر از همه علاوه بر فقر و بیچارگی، جنايات ضد بشری را دامن زده تا روحیه و غرور ملی مردمان این مرز و بوم را بشکنند. باید در مقابل این همه بی عدالتی ها و جنايات ضد بشری ایستاد و نه گفت. ما از تمام زنان و مردان رنج کشیده افغانستان می خواهیم که برای رهائی از این مصیبت به دسته هشت مارچ زنان افغانستان به پیوندند و روز به روز صفوف خویش را متحد تر نموده و دوشادوش یکدیگر برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده به مبارزه برخیزند.

وبسایت های ملی - دموکراتیک

جنبش انقلابی جوانان افغانستان
www.afghanistanrymo.org

سازمان زنان ۸ مارچ (ایرانی - افغانستانی)
www.8mars.com

سازمان ملی - دموکراتیک آوارگان افغانی
www.akhpowlwaki.blogfa.com

قانون احوالات شخصیه اهل تشیع یک قانون ستمگرانه وزن ستیزانه عریان

زن ستیزان و ملاهای اهل تسنن گفت: "هیچ حرکتی نباید خلاف اسلام باشد. طبق نقل عایشه هرگاه مرد از زن بخواهد که چشمش را در بیاورد و چشم دیگری جایش بنشانند باید این کار را بکند. کسانیکه طرفدار تعدیل قانون اند، خلاف اسلام اند" در اخیر آقای حسینی گفت: "زن به هیچوجه نمی تواند از شوهر اطاعت نکند" نقلی که آقای حسینی از عایشه می آورد، همان تمکین نمودن زن به شوهر است یعنی زمانیکه مرد از زن خواستی داشت در هر صورت ولو زن سر نماز ایستاده باشد بلاوقفه باید که خواستش را بر آورده سازد. در غیر این صورت زن متمرّد و "بی شرم و حیاء" است و مرد می تواند آترا تنبیه نماید. در رژیم پوشالی حامد کرزی نیز شرایط قرون وسطی بر زنان قانونی گردیده است. آقای عالمی بلخی که در این گفتمان شرکت داشت نیز حرف های حسینی را تأیید نموده و ادامه داد که "زن باید از شوهر تمکین نموده و اطاعت کند. این مسئله یک مسئله اسلامی است. هیچکس حق ندارد که ماده ۱۳۲ را تعدیل نماید. بحث تعدیل خلاف اسلام است."

آقای محمد عبده نیز با آقای حسینی و آقای بلخی همصدا شده گفت: "کمیسون ها سر این قانون تبصره نموده، بحث و تعدیلات بوجود آمده و مانند هر قانون فیصله صورت گرفته است. تعدیلات در حزانت بوجود آمده، طوریکه پسر تا هفت سالگی و دختر تا نه سالگی می تواند نزد مادر باشد" جارو و جنجالی که از طرف رژیم پوشالی وزن ستیزان حامی اش در باره تعدیل قانون بوجود آمده اینست که "زن در صورت مشروع می تواند از خانه بیرون شود" یعنی هرگاه پدر، مادر و یا برادرش فوت نماید و خبر شود، شوهرش بخانه نباشد می تواند به اجازه شان برود، در غیر این صورت باید به اجازه مرد بیرون شود. و تعدیلاتی که حزانت طفل بوجود آورده که "پسر تا هفت ساله و دختر تا نه ساله" نزد مادر باشد بزرگترین جفا بر حق مادر است. علاوه بر اینکه چهل هفته تمام مشکلات را پذیرفته با مشکلات وضع حمل، باید که اولادش را نیز آماده خدمت نموده و دودسته به پدر تقدیم نماید.

زنان کابل در مقابل این قانون "غیر عادلانه وزن ستیزانه عکس العمل نشان داده روز ۴ شنبه ۲۶ حمل ۱۳۸۸ به تظاهرات پرداختند

افغانستان تا کنون دیده شده که امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا خواهان تحکیم جمهوری اسلامی در افغانستان می باشد، قانون اساسی اش بر همین مبنا طراحی می شود. نه تنها در افغانستان بلکه در عراق نیز همین شیوه را بکار برده است. از طریق این جمهوری اسلامی است که تجاوزگری خویش را شکل قانونی می دهد و حضور نظامی خویش را پایدار می سازد. و از طریق جمهوری اسلامی روکش مشروعیت شرعی به حضور نظامی اش داده تا جلو مخالفت مردم را نیز بگیرد.

امروز در افغانستان اشغالگران و رژیم دست نشانده یکعده از زنان را به چوکی های بلند دولتی بالا کشیده، وزارت امور زنان را ایجاد نموده است. برای یکعده از زنان تحصیل کرده زمینه معاشات دالری در مؤسسات وابسته دولتی و غیر دولتی بوجود آورده است. تا اینکه نشان دهد که آزادی زنان در نبود استقلال ملی و آزادی ملی امکان پذیر است.

طرح مسئله زنان با چنین شیوه های عوامفریبانه از طرف اشغالگران و رژیم دست نشانده به مثابه گروگانی برای توجیه اشغالگری و خیانت ملی بکار برده می شود.

این افسانه دروغین و فریب کارشادانه شان با طرح "قانون احوالات شخصیه اهل تشیع" کاملاً افشاء می گردد و نقاب کذب شان را بدور انداخته و هویت اصلی زن ستیزی شانرا به نمایش می گذارد. در این قانون قید گردیده که "زنان بدون اجازه شوهر نباید از خانه بیرون شوند"، "زنان باید در مقابل شوهر تمکین نمایند"، "زنان باید از شوهران شان اطاعت کنند"، "وضع حمل نه ماه قمری" تعیین شده است. "حق حزانت طفل" بامرد است. و از همه مهمتر اینکه "متعّه" در این قانون قید گردیده است.

مسائل فوق به خوبی ماهیت زن ستیزانه رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی شان را می رساند. این رژیم حتی "بیرون کشیدن زنان از خانه" را به اجازه شوهر و آگذار نموده هم چنین اطاعت بی چون و چرای شان را از شوهران نیز قانونی ساخته است. تا آنجا پیش رفته که حتی مردان می توانند طبق این قانون زنان را خانه نشین نمایند. چنانچه در گفتمان جمعه شب ۲۷ حمل ۱۳۸۸ در تلویزیون طلوع میر فاروق حسینی یک تن از

ستم مرد بر زن کهنه ترین و ریشه دار ترین ستم ها است و علیرغم تمام تغییر و تحولات جامعه طبقاتی، به درجات و اشکال مختلف بوجود خود ادامه داده است. این ستم یکی از ارکان قدرت تمام ساختارهای اقتصادی و دولت های ستمگر است. ستم مرد بر زن منشاء مادی و طبقاتی داشته وزن اولین قربانی استعمار است و نخستین بیدادگری طبقات با ستم مرد بر زن آغاز شده است.

تا زمانیکه این ارگانهای قدرت با چنین شیوه های اقتصادی استعمار گرانه ای وجود داشته باشد، زنان به آزادی واقعی نمی رسند. همانطوریکه این بیدادگری با ستم طبقاتی بوجود آمده با محود طبقات و سلب مالکیت از مالکین می تواند به آزادی برسد. زیرا "استثمار تنها منشاء جنسی و نژادی نداشته، بلکه ریشه در ستم طبقاتی و شیوه تولید جامعه دارد. تا وقتیکه این پدیده بصورت درست و علمی حل نگردیده باشد، پیشرفت جامعه با مانع بر خواهد خورد و آزادی زن هم میسر نیست."

ستمگری جنسی در بنیاد های فکری و عقیدتی تمامی نیروهای مرتجع و میهن فروش نهفته است. از نظر ایشان زن "ملکیت" مرد است. و مرد مالک وی. از نظر ایشان مردان حق هر گونه تصرف و تسلط بر ملکیت "خویش" را دارد. در دیدگاه زن ستیزی و ارتجاعی نیروهای استثمار گر و مرتجع تنبیه و باالآخره نفی فیزیکی زن، امریست بدیهی و حق برسمیت شناخته شده مرد. تغییر و تحولاتی که بعد از هشت سال اشغالگری و تجاوز امپریالیست ها به رهبری امپریالیزم امریکا در افغانستان صورت گرفته کوتاه بینی سیاسی کسانی را به نمایش می گذارد که پایان امارت اسلامی طالبان را آغاز "آزادی"، "دموکراسی" و بخصوص آزادی زنان قلمداد نمودند. در حالیکه امپریالیزم امریکا با امارت اسلامی طالبان بر سر آزادی زنان هیچ مشکل و تضادی نداشت. چنانچه در طول دوره امارت اسلامی تمام فشارهای که بر زنان از طرف طالبان وارد می شد، امپریالیزم امریکا آترا با سکوت تأیید نمود. زمانی این روابط به تیرگی می گرائید که امریکا تشخیص می دهد طالبان دیگر در منطقه برایش مفید نیستند، ازین جهت برای سرنگونی رژیم شان اقدام نموده تا که مستقیماً حضور نظامی خویش را در منطقه تثبیت نماید. چنانچه در زمان اشغال

این تظاهرات چهره خائنه وزن ستیزانه جمهوری اسلامی را به خوبی به نمایش گذاشت افراد حرکت اسلامی شیخ آصف محسنی روی زنان تظاهر کننده حمله ور می شوند. علاوه بر زخمی شدن چند تن دو نفر در جریان تظاهرات کشته می شوند و عده ای دستگیر می گردند. هیچگاه رژیم پوشالی مسبب اصلی این قضیه را دستگیر ننموده و حتی قضیه را پیگیری نکرد و فقط گفتمان از طریق تلویزیون طلوع براه انداخت که همه ای مردان مخالف تظاهرات بودند به استثنای زنان که می گفتند " تمکین و اطاعت زنان " نباید که قانونی می شد و تظاهرات ما بخاطر حقوق ما بوده است. بعد از تظاهرات آقای شیخ آصف محسنی عکس العمل نشان داده علاوه بر اینکه تظاهر کنندگان را محکوم نمود حرکت ایشان را خلاف اسلام خواند و گفت: " هیچ محکمه ای حق تعدیل این قانون را ندارد "

در قانون وضع حمل نه ماه قمری قید گردیده است. بدان معنی که اگر طفل در ظرف نه ماه قمری بدنیا نیامد شاید که حرامی باشد. این موضوع دیگر کاملاً مزخرف و بی معنی است. در حالیکه از لحاظ طب وضع حمل ۹ ماه و پانزده روز شمسی است نه قمری. حتی ایشان آنقدر غرق در مزخرفات اند که مسایل علمی را نیز قبول ندارند.

قانون رژیم پوشالی آنقدر جاهلانه بود که حتی بخشی از رژیم نیز از آن حمایت نکردند و بعد از اینکه کشورهای امپریالیستی و بخصوص امریکا در قبال آن عکس العمل نشان داد این بخش ناراضی رژیم با تشویق و حمایت اشغالگران یک عده از زنان را جمع نموده و تظاهرات راه اندازی نمودند. زنان تسلیم طلب در راس این تظاهرات قرار داشتند و آنرا رهبری مینمودند، تعداد دیگری از زنان که از ستم بیش از حد مردسالاری و حمایت رژیم از این سیستم به ستوه آمده بودند نیز به تظاهرات پیوستند. از یک سو تظاهرات زنان ناراضی ماهیت زن ستیزانه قانون جاهلانه رژیم را به نمایش گذاشتند و از سوی دیگر زنان تسلیم طلب که در راس تظاهرات قرار داشتند با رژیم پوشالی وارد معامله گردیدند، این معامله منجر به شکست تظاهرات گردید که حتی خون های ریخته شده زنان بی گناه را پایمال نمود نه تنها اینکه هیچ کس نتوانست صدای اعتراض علیه این جنایت بلند نماید بلکه هیچگاه کسی ازین جنایتکاران قاتل به محاکمه کشیده نشدند.

زنان آگاه و مبارز!

باید آگاه بود، زنانیکه در چوکی های بلند دولتی تکیه زده اند جزء همین رژیم نابکار و پوشالیست، هیچگاه اینها از حقوق و منافع شما دفاع نکرده و نخواهند کرد، بلکه همیشه متوجه منافع خویش و اربابانشان بوده و هستند، همیشه میکوشند تا قربانی ایثار و فداکاری های شما را با رژیم دست نشانده معامله کنند همان طوریکه این معامله را کردند و خون های ریخته شده را پایمال نمودند. پس باید چهره خائنه کسانی را که زیر شعار دفاع از حقوق زنان خود را مخفی نموده و ازین طریق برای تامین منافع رژیم دست نشانده در حرکت اند و عملاً در اختیارش قراردارند باید افشاء نمود، تا دیگر زنان ستم دیده فریب حرف های اغواگرانه شان را نخورده بلکه خود در جهت منافع خویش گام برداشته و متشکل شوند. مسئله ایکه به مردان اجازه هر نوع بی بند و باری و فحاشی را می دهد، تصویب متعه به شکل قانون آنست متعه از تمتع گرفته شده به معنی لذت بردن است. این ماده " قانون " به مردان اجازه می دهد علاوه بر زنان نکاحی از وجود زنان دیگر نیز لذت ببرند به بیان دیگر متعه یکنوع عیاشی است وزن واضحاً در اینگونه نکاح صرفاً به مثابه یک شی برای عیاشی مرد تلقی می گردد. متعه را در طول تاریخ افغانستان اهل تشییع افغانستان به مرحله اجرا در نیاوردند و حتی برای تشییع افغانستان قابل قبول نبوده است. اما امروز جمهوری اسلامی افغانستان با حمایت از ملا های شیعه زن باره متعه را قانونی ساخت. طرح، تصویب و تأیید این " قانون " از طرف رژیم پوشالی به منزله یک قانون ستمگرانه وزن ستیزانه عریان در افغانستان طرح شده است هرگاه به این قانون نظر انداخته شود، دیده می شود که طرح مسایل از طرف ملاها در این قانون به شکل سکس و عریان آن مطرح گردیده است. که یکنوع خیانت، تحقیر، توهین و اهانت به زنان محسوب می گردد. باید این نکته رایاد آوری نمود که " در شرایط کنونی با توجه با شناخت علمی وسیع از مسایل جنسی انسانها وهم چنان پیچیده شدن زندگی و مناسبات اجتماعی طرح چنین احکام عملاً منسوخ به مثابه قانون، غیر از آنکه به شدت ستمگرانه است، عمیقاً جاهلانه نیز می باشد.

البته توضیح این نکته ضرورت است که تمکین جنسی کامل ودایمی زن از شوهر با موضوع ممنوعیت رابطه جنسی در بیرون از چوکات زنان شوهری فرق دارد. در شرایط کنونی، ممنوعیت رابطه جنسی در بیرون از چوکات زنا شوهری برای زنان و مردان متاهل، در تمامی قوانین مدنی وجود دارد. اما موضوع

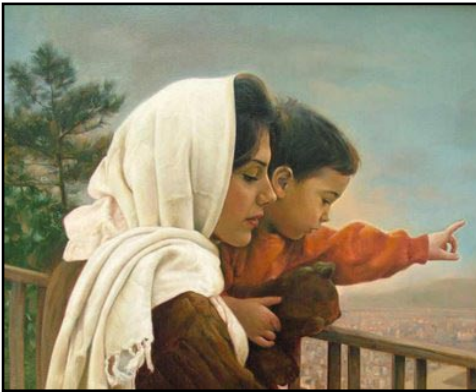
تمکین جنسی کامل ودایمی زن از شوهر در آنها موجود نیست، چرا که چنین چیزی را اساساً نمی توان به صورت یک حکم قانونی در آورد.

تصویب و توشیح این " قانون " فقط مربوط و منوط به اهل تشییع نیست، بلکه مشتمل فقه حنیفی نیز می باشد. چنانچه در گفتمان طلوع تمامی ملاها (اعم از شیعه و سنی) متفق القول از " قانون " توشیح شده توسط کرسی دفاع نموده تعدیلات و مخالفت با آنرا مخالف اسلام می دانستند. تنها چیزی که در آن " قانون " مربوط به اهل تشییع است موضوع متعه است عملاً مورد قبول اهل تشییع افغانستان هم نیست.

رژیم دست نشانده جمهوری اسلامی افغانستان با تصویب این " قانون " می خواهد که زنان را در چهار دیوار خانه محصور نموده و ایشان را بدوره قرون وسطی برگرداند. در حالیکه زنان افغانستان برده و مطیع مردان بوده، اما رژیم پوشالی این بردگی را کاملاً قانونی ساخت. احکامی که از مدت ها قبل منسوخ گردیده و یا اینکه از ابتدا می توانسته جامه عمل به پوشد، امروز علمای شیعه با پشتیبانی رژیم دست نشانده آنرا قانونی اعلام می دارند.

باید این فریبکاری بزرگ رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی اش افشاء و رسوا گردد. باید این نکته را افشا ساخت که آنها نه برای " آزادی زنان " و " دموکراسی " به این سرزمین پا گذاشته اند، بلکه بخاطر تحکیم منافع و سلطه بر منطقه به این سرزمین آمده اند. در شرایط کنونی افغانستان نه تنها جمهوری اسلامی افغانستان و اربابان اشغالگر شان با طرح " قانون شخصی اهل تشییع " چهره خائنه وزن ستیزانه خویش را به نمایش گذاشتند، بلکه بنیاد گرایان مرتجع و زن ستیزی که در عین مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی منکر حقوق و آزادی انسانی زنان اند و بینش غلط شونیستی، زن ستیزانه خویش را رنگ مقاومت علیه اشغالگران می دهند بزرگترین جفا در حق زنان این کشور می نمایند. ایشان با محروم کردن نصف نفوس جامعه از حقوق شان منجمله حق مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی در حق تمامی زنان و مردان این کشور ظلم بزرگ و غیر قابل بخششی را مرتکب می شوند. باید علیه این ظلم بزرگ به مبارزه برخاست زیرا این مبارزه بخاطر تامین حقوق و آزادی های انسانی شان، بخش مهمی از کلیت مقاومت و مبارزه ملی مردمی انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده را تشکیل می دهد. پس هر چه رزمنده تر باید که این صفوف را متشکل نمود.

زنان و اطفال در "جمهوری اسلامی افغانستان" ارزش انسانی خویش را از دست داده اند.



در این برنامه مشخص بود، عدم دستگیری متجاوزین جنسی، فقط از مجموع این متجاوزین یک نفر دستگیر شده بود.

تلویزیون آریانا گزارش داد که طفل هفت ساله ای در ولایت تخار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و بعد از تجاوز به شکل فجیعی به قتل رسیده است. جسد این طفل را از تلویزیون نشان داد که در رویش چندین لکه وجود داشت یک نفر به اتهام این قضیه دستگیر شده بود.

فامیل دختر خواهان به محاکمه کشاندن این جانی بودند، اما یکروز بعد یعنی روز جمعه ساعت ۸ صبح تلویزیون آریانا در اخبارش گفت "مردیکه به اتهام تجاوز جنسی و قتل یک دختر هفت ساله در ولایت تخار دستگیر گردیده بود از حارنوالی آن ولایت فرار نمود قوماندان امنیه ولایت تخار ادعا نمود که ما مرد متهم را همراه دوسیه اش به حارنوالی فرستادیم، اما متهم از حارنوالی فرار نموده است. عجب دولت و پولیس پوشالی که فرار به این سادگی صورت میگیرد. اینجا فقط دو راه وجود دارد:

۱- ممکن شخصا حارنوال متهم را آزاد کرده باشد.

۲- فرد متهم ممکن از اراکین بلند پایه دولتی بوده و نیروی مسلحش حین رسیدن به ولایت آنرا با زور گرفته و با خود برده باشند. اما رژیم پوشالی نمی خواهد که اصل مطلب را باز گو نماید و فقط با کلمه اینکه متهم فرار کرد مردم و فامیل مقتول را گول بزند.

گزارش دیگر این تلویزیون از تجاوز جنسی بالای دختر ۱۵ ساله نیز از ولایت تخار بود. دختری که مورد تجاوز قرار گرفته بود موضوع را چنین شرح داد: "روزی در محل برای مردم به آن جا میرفتم در بین راه یک زن هم با من همراه شد مردی (اصلا نام مرد را نگرفت در حالیکه او را دقیقاً میشناخت) مرا همراه آن زن به موتر سوار کرد و گفت من هم آنجا میروم بیاید تا شما را نیز ببرم ماهم سوار شدیم وقتیکه آنجا رسیدیم ما را داخل آن محوطه

در مدت هشت سالی که از عمر ننگین رژیم دست نشانده حامد کرزی میگذرد، زنان و اطفال علاوه بر اینکه امتیازی بدست نیآورده اند، بلکه ارزش انسانی خویش را در تحت این نظام فاسد از دست داده اند، در طول این تاریخ هشت ساله تجاوزات جنسی، قتل، سوختاندن، بریدن گوش و بینی و قطع انگشتان دست و پا به شکل تصاعد هندسی بالا رفته است.

تاریخ افغانستان کاملاً یک تاریخ مردسالار بوده و میباید در طول تاریخ افغانستان رشادت ها، فداکاری و مبارزات زنان هیچ انگاشته شده و حتی اشاره ای ضمنی به این فداکاری ها در تاریخ نگردیده است و علاوه بر آن زنان به اشکال مختلف ستم رو برو بوده اند اما در طول تاریخ افغانستان زنان و اطفال اینقدر مورد تحقیر، توهین، اهانت و تجاوزات جنسی قرار نگرفته که در ظرف هشت سال عمر رژیم پوشالی قرار گرفته اند. رژیم حامد کرزی فاسد ترین و خائن ترین رژیم ها است. این اعمال ناشایست و فجیع آگاهانه از طرف رژیم دست نشانده و اربابان امپریالیستی اش روی دست گرفته شده است، بنا به زعم امپریالیستهای تجاوز گر و مزدوران گوش بفرمانش این اعمال سبب شکستن غرور مردم آزادیخواه گردیده و آنها را وادار به تابعیت از ایشان می نماید. در حالیکه مرتجعین هر سنگی را که بلند کنند روی پای شان می افتد.

امپریالیستها همیشه بروی افراد مرتجع، جنایتکار و فاسد الاخلاق متکی میشوند، زیرا افکار و عقاید خود را بهتر میتوانند توسط چنین افرادی در جامعه پیاده کنند. امروز امپریالیستهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا متکی به یک مشت انسانهای دزد، راهزن، فاسد و جنایتکار گردیده و روز بروز جنایت و فساد را بر جامعه توسط این جنایتکاران گسترش میدهد.

روز پنجشنبه تلویزیون آریانا در برنامه گفتنی ها گزارشات تکان دهنده ای از چند تجاوز جنسی بالای دختران خورد سال داشت. چیزی که

نمود و بعدا دهانم را بست و زنی که همراه ما بود رفت، در این اثنا به من تجاوز نمود. او ادامه داد که این مرد چند ماه قبل زن برادرم را نیز با زور با خود نکاح نموده است" پدر و مادر دختر از کرزی و رژیمش خواهان دستگیری و محاکمه آن شخص بودند.

گزارش دیگر حاکی از تجاوز جنسی بالای یک دختر ده ساله در ولایت سرپل بود. دختر حال اش را چنین بیان نمود: "آنها پنج نفر مسلح بودند ابتدا مرالت و کوب نموده و بعدا مرا محکم بسته کردند و هر پنج نفرشان به من تجاوز نمودند" در حالیکه تمام خانواده بشمول مادرو پدرش میگریستند مادر دختر گفت: "این عملکرد رئیس جمهور است. ظلمی که امروز به من شده به حق امام حسین نشده است." با اینحال مادر و پدر دختر از کرزی خواهان غوررسی بودند و گفتند که اگر غوررسی نمی کند ما را اعدام نماید بیشتر از این زندگی به درد ما نمیخورد مشکل اساسی این است که مردم فکر می کنند که جنایت زاده فطری بعضی از انسانها است. نمیتوانند که این را بررسی کنند که چه کسی پشت سر این قضایا ایستاده است. فکر می کنند که کرزی و رژیم پوشالی با این قضایا سرو کاری ندارد در حالیکه مادر دختر با احساسات تمام گفت که این عملکرد رئیس جمهور است واقعیت امر هم در این گفته نهفته است که رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی اش حامی این سیستم کثیف بوده و میباشند و چنانچه تا کنون هیچ جنایتکاری در این رابطه به محاکمه کشیده نشده و اگر فردی هم به محاکمه روان شده حتما برائت حاصل نموده است.

گزارش دیگر حاکی از تجاوز جنسی بالای دختر ۸ ساله ای در قندوز بود. مادر دختر که با زبان پشتو صحبت مینمود گفت: "چند نفر مسلح وارد خانه ما شدند و دخترم را بستند در مقابل چشم ما به او تجاوز نمودند." داکتر طب عدلی نیز این تجاوز را تأیید نموده گفت "دختر بطور فجیعی مورد تجاوز قرار گرفته است." مصاحبه ایکه تلویزیون با چند نفر از این ولایت داشت همه یکصدا این عمل را محکوم نموده و مورد تجاوز را تأیید نمودند. دو دختریکه با این مصاحبه شرکت داشتند گفتند: "ما شاهدیم که در سمت شمال بالای دختر پنج ساله ای تجاوز صورت گرفت، اما متجاوز بعد از یکماه آزاد شد."

امروز اکثریت مردم به خصوص نسل جوان بخوبی درک نموده که امپریالیست ها و نوکران بومی شان حامی این ستم اند از ابتدای به قدرت رساندن این رژیم پوشالی تاکنون هیچ جنایت پیشه ای محاکمه نشده، جنایتکاران یا بازور یا با رشوت برائت حاصل نموده و آزاد شده اند و فقط کسی که به محاکمه کشیده شده قربانی این قضایا است. این واقعیت ها به آن سرحد رسیده که حتی زنان پارلمان نشین نیز نمیتوانند حقایق را نادیده گرفته مجبوراً باید که گوشه ای از جنایات رژیم را فاش و بر ملا کنند. چنانچه خانم فوزیه کوفی یکی از اعضای پارلمان در این زمینه گفت: "اشخاص مجرم محاکمه نمیشوند یا با زور و یا با رشوت آزاد می شوند. این عملکرد سبب ازدیاد تجاوزات جنسی بالای اطفال گردیده است" او حرفش را چنین ادامه داد: "سیستم قضائی ما شخصی که تجاوز میکند و کسی که به او تجاوز شده هر دو را مجرم میداند و بالاخره متجاوز برائت حاصل نموده، قربانی مجازات میشود هیچگاه محاکم عدلی ما کسی را به اتهام تجاوز علناً محاکمه نموده است." خانم کوفی در ادامه صحبتش گفت که: "اکثر متجاوزین جنسی به اطفال و زنان به طب عدلی برده میشود، طب عدلی از طرف زورمندان مورد تهدید قرار میگیرد تا متجاوز را زیر ۱۸ سال قلمداد نماید بدین لحاظ محکمه او را متجاوز ندانسته لذا او را به دارالتادیب میبرند تا ادب شود. در طول مدت هشت سال هیچ متجاوز جنسی به محاکمه کشیده نشده است."

جرم و جنایت رژیم پوشالی به حدی رسیده

که حتی اعضای خود رژیم صدای اعتراض بلند نموده و صریحاً به فساد اداری و اخلاقی رژیم اعتراف میکنند. مادر مقالات متعددی بیان داشتیم که هرگاه مردوزنی وارد محکمه میشوند و در صورتیکه صد در صد مرد مجرم باشد اما محکمه زن را گناهکار میدانند. فساد در محاکم "عدلی" رژیم به حدی است که اعضای خود دولت به این فساد و محاکمه نمودن غیر قانونی زنان اعتراف میکنند. همانطوریکه پسر وکیل پاینده، پسر ولسوال شیندند، شوهر نادیا انجمن... به جرم تجاوز و قتل محاکمه نشدند، دیگر متجاوزین به حقوق زنان تا زمانیکه این رژیم منحوس بر قدرت باشد نیز به محاکمه کشیده نشده و نخواهد شد.

تلویزیون آریانا در رابطه با سخنان فوزیه کوفی در رابطه برائت و عدم محاکمه عدلی مجرمین مصاحبه ای با رئیس دیوان محکمه داشت، رئیس دیوان محکمه گفت: "اگر یک طفل جوان مورد تجاوز قرار گرفته ما قضیه او را در محکمه به شکل عدلی پی گیریم، حیثیت و شرافت او زیر سوال قرار میگیرد و در بزرگی احساس شرمندگی میکند. از این لحاظ ما از محکمه عدلی تجاوزات جنسی خود داری میکنیم." او حرفش را چنین ادامه داد: "در باره مسائل اخلاقی بگویم هرگاه انحرافات اخلاقی رخ میدهد من طرفدار آن هستم که این منحرفین را در یکجایی مناسب برده شوند تا اینها تریب شوند، این زندانها برای آنها مساعد نیست."

زهی سفاهت و بی شرمی! پی گرفتن قضیه تجاوز حیثیت و شرافت قربانی را زیر سوال می برد!!! درحالیکه این حیثیت و شرافت قبل از محکمه پایمال شده و زیر سوال قرار گرفته است. بنظر آقای رئیس تجاوز خود ذاتاً حیثیت و شرافت قربانی را زیر سوال نمی برد و لکه دار نمیسازد فقط محاکمه مجرم آنرا لکه دار میسازد، درحالیکه قربانی قبل از رفتن به محکمه حاضر به مصاحبه در مورد تجاوز با تلویزیون ها است و عدلی موضوع را مطرح مینماید. آقای رئیس این را نمیفهمد (درحالیکه خوب میفهمد) که محاکمه مجرم و کشاندن به محاکمه عدلی دفاع از حیثیت و شرافت قربانی است، قربانی حاضر است

که در محکمه عدلی از حیثیت و شرافتش دفاع نماید، اما این روسای "محاکم عدلی" است که با مجرم همنا گردیده حیثیت و شرافت قربانی را لکه دار مینماید. روزی فرا میرسد که تمام مجرمین به شمول روسای "محاکمین عدلی" در دادگاه خلق به محاکمه کشیده شوند و از حیثیت و شرافت تمامی قربانیان دفاع گردد آن روز آمدنی است، منتظر آنروز باشید.

رئیس دیوان محکمه با حرف دومش حرف خانم کوفی را تأیید نمود و غیر مستقیم گفت که باید متجاوزین جنسی برای "ادب" به دارالتادیب برده شود نه در زندان های رژیم. عجیب دارالتادیب، جائیکه بیشتر به فاحشه خانه میماند تا ادب نمودن اشخاص و چنانچه دامن روسای این دارالتادیب ها به فساد اخلاقی آلوده است ما در شماره هفتم نبرد زن فساد اخلاقی که توسط این روسا دامن زده میشود بر شمریم. بردن مجرمین به دارالتادیب فقط یک بهانه ای برای رهایی شان بوده و آنها را از به محاکمه کشاندن نجات میدهد.

بعد از اشغال افغانستان توسط امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا، رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی اش سروصدهای زیادی در رابطه "آزادی و حقوق زنان"، "حقوق اطفال" و "حقوق بشر" براه انداختند، در این رابطه کمیسیون کذائی خویش را برای فریب دادن مردم بوجود آوردند که از جمله "کمیسیون مستقل حقوق بشر" و "کمیسیون دفاع از حقوق اطفال" را میتوان بر شمرد. از زمان ایجاد این کمیسیون ها تا کنون هیچگاه از حقوق اطفال و حقوق بشر دفاع نگردیده، بلکه بیشتر این کمیسیون ها در خدمت جنایتکاران و قدرتمندان بوده است. از نظر "کمیسیون مستقل حقوق بشر" فقط باید از حقوق مشتی خائن، وطن فروش دفاع گردد و به نظر این کمیسیون، "بشر" یعنی همین قاتلین و متجاوزین میباشد. "کمیسیون دفاع از حقوق اطفال" نیز مانند "کمیسیون مستقل حقوق بشر" به کمک محاکم به اصطلاح عدلی رژیم تمام مجرمین و متجاوزین به حقوق زنان را زیر ۱۸ سال قلمداد نموده و در جمله کودکان بحساب آورده از حقوق ایشان بدفاع برخاسته است نه از حقوق اطفالی که مورد تجاوز قرار گرفته اند. این کمیسیون ها آله دفاعی مجرمین و متجاوزین میباشد. در طول تاریخ هشت ساله عمر ننگین رژیم پوشالی "کمیسیون مستقل حقوق بشر" و

" کمیسیون دفاع از حقوق اطفال" در خدمت جنایتکاران و زورمندان بوده هست. باید این کمیسیون ها را بنام " کمیسیون دفاع از حقوق زورمندان و جنایتکاران " و " کمیسیون مستقل حقوق ضد بشری " یاد نمود و در حقیقت امر نام شایسته این کمیسیون ها نیز همین است و بس.

رژیم پوشالی و اربابان امپریالیستی اش سالانه میلیون ها دالر بنام " دفاع از حقوق اطفال " گدائی میکنند و همه این پول را حیف و میل نموده و به جیب شخصی میزنند و بنام اطفال از متجاوزین و جنایتکاران دفاع مینمایند. نطق تلویزیون آریانا در اخیر برنامه اش گفت

جنایتکاران بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی است. از تمامی نیروهای انقلابی، ملی و دموکرات و توده های رنج کشیده می طلبیم که خود را برای مقاومت ملی، مردمی و انقلابی آماده کنند و تحت رهبری پیشاهنگ شان تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده به پیش روند. آزمان است که توده های رنج دیده و بخصوص زنان و اطفال با آسودگی خاطر زندگی را سپری خواهند نمود در غیر این صورت همین آس است و همین کاسه.

: " کمک های مالی که برای دفاع از حقوق اطفال به افغانستان مساعدت گردیده در حدود ۷۵ فیصد آن توسط انجوهای خارجی که مدافع حقوق اطفال اند به غارت برده شده اند " بقیه ۲۵ درصد دیگر آن توسط مرتجعین داخلی حیف و میل گردیده است. ایجاد این کمیسیون ها از یکطرف مدافع حقوق جنایتکاران است و از طرف دیگر مزیت اقتصادی برای شان دارد، لذا ایجاد چنین کمیسیونهای برای مرتجعین و جنایتکاران ضروری و الزامی است. یگانه راه بیرون رفت از این معضل و به محاکمه کشاندن تمامی مجرمین و

آیا قتل های ناموسی پایان پذیر است ؟



در گذشته نه چندان دور نیز گاه و بیگاه قتل زنان اتفاق می افتاد اما بزرگترین خشونت علیه زنان، لت و کوب زنان، زندانی کردن آنها در خانه بود. امروز لت و کوب زنان چنان تحت شعاع جنایات فوق الذکر قرار گرفته که گویی لت و کوب حادثه ای و یا کدام ستمی بر زنان نیست. این عمل مردان (لت و کوب) علیه زنان موضوعی است که امروز دیگر قابل تعقیب و پرس وجو نیست و حتی قابل مکث نیست، زیرا کاملاً تحت شعاع جنایات بی حد و مرز جنایتکاران در دستگاه حاکمه قدرت دولتی را به کف دارند و یا به نحوی از انحاء به ایشان مربوط است، قرار گرفته است.

رژیم پوشالی با تمام ساز و برگش در خدمت سیستم مرد سالاری بوده و از آن حفاظت و حمایت می نماید. در هر اتفاقی از جنایات فوق که برای زنان افتاده است، یا مردان از طریق محکمه تبرئه شده و یا اینکه مدت کوتاهی که بزدان بودند اکتفاء شده و از زندان آزاد گردیدند. آنها که از طرف محکمه به مدت چند سال حبس محکوم شدند. شخص کزری پا در میان گذاشته به حکم و امضای خود امر رهائی شان را داده و آنها را آزاد ساخته است. چنانچه چند روز قبل ۴ نفر که به یک دختر تجاوز جنسی نموده بودند و از طرف محکمه ثلاثه محکوم به حبس شده بودند به حکم حامد کزری آزاد شدند. این دومین حکم

رژیم پوشالی حامد کزری و اربابان امپریالیستی اش بطور مرتب از " حقوق برابر " زن و مرد " و " آزادی " زنان صحبت می کنند و در تمامی سخنرانی های شان آنقدر قواره حق بجانب را می گیرند و جدی حرف می زنند که گویی با تمام معنی حامی " آزادی " زنان اند.

در هر پرس و والی که از طریق تلویزیون با اراکین بلند پایه دولتی و اربابان اشغالگر شان شده است همه بحث از " آزادی " زنان داشته اند، هر وقت که از ایشان سوال شده که اوضاع امروزی با چند سال گذشته بهتر است یا بد تر ؟ فوراً یکی از جمله پاسخ ها برای بهتری اوضاع و احوال افغانستان همین مسأله " آزادی " زنان و دفاع از حقوق شان را می آورند و با استناد به قانون اساسی ساخته و پرداخته امپریالیست ها می گویند که رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان از حقوق زنان دفاع می نماید. اما عملاً در جهت مخالف آن یعنی سرکوب زنان و تحکیم سیستم مرد سالارانه گام بر می دارد. هر روزیکه از عمر نکبت بار رژیم پوشالی می گذرد، وضعیت زنان بد تر و بدتر شده می رود، امروز نه تنها که زنان نتوانسته اند کو چکترین حقی از خواسته های برحق شان را بدست آورند بلکه حقوق انسانی خویش را نیز از دست داده اند. روزی نیست که در افغانستان خبر تکان دهنده تجاوز بر زنان و دختران جوان و دختران خورد سن شنیده نشود. نه تنها این عمل شایع اتفاق می افتد که سوختاندن زنان، قطع انگشتان، بریدن گوش و بینی و قتل آنها به یک جریان عادی تبدیل گردیده است.

حامد کزری برای رهایی تجاوزگران به کرامت انسانی زنان است. به این علت امروز هیچ مردی از تجاوز به زنان و یا قتل شان هراسی به دل راه نمی دهد. چنانچه یوم پنجشنبه یک نفر خانم ۲۵ ساله خود را به ضرب چاقو به قتل میرساند. این قتل در ناحیه دهم شهر هرات اتفاق می افتد ضربات چاقو آنقدر زیاد و عمیق بود که جسد زن قابل شناخت نبود. پولیس برای فرو نشانیدن خشم فامیل زن گفت که قاتل دستگیر شده و قضیه تحت تعقیب است و بزودی محاکمه خواهد شد. علت قتل را کسی بازگو نکرد.

یقیناً که مرد در جریان تحقیق حتماً مهر ناموس داری را به آن می زند و زن را متهم به فحشاء خواهد نمود. اگر خودش به این فکر نباشد، مستنطقین برای او یاد می دهند که چگونه می تواند خود را تبرئه کند تا آزاد شود.

در طول مدت ۸ سالی که از عمر ننگین رژیم دست نشانده میگذرد هر قتلی که اتفاق افتاده فوراً مهر ناموس داری بر آن کوفته شده و آن مرد آزاد گردیده است. این بار هم به همان شکل

سابق باز هم مرد آزاد می شود . ریاست " کمیسیون مستقل حقوق بشر " در هرات مثل گذشته ها این عمل شنیع را محکوم نمود و گفت از اول سال جاری تا حال ۶۵ واقعه خود سوزی و ده مورد تجاوز جنسی در هرات اتفاق افتاده است . این ریاست به اصطلاح حقوق بشر یک حقیقت را کتمان نموده و آن اینکه گفت که ۶۵ مورد خود سوزی اتفاق افتاده ، از سوختاندن زنان توسط مردان حرفی بزبان نیاورد . در حالیکه اکثریت این " خود سوزی " ها سوختاندن زنان از جانب مردان بوده است . تمام نهاد های سیاسی - حقوقی - اجتماعی مربوط به رژیم پوشالی در خدمت سیستم مرد سالاری بوده وهست و اینک چند مورد را که توسط برنامه بانو از طریق تلویزیون طلوع همه روزه به ساعت ۲ بعد از ظهر پخش می شود به بررسی می گیرم تا بخوبی نشان داده شود که سرپای رژیم منحوس در خدمت مرد سالاری است .

در برنامه بانو روز سه شنبه ساعت ۲ بعد از ظهر سه زن شکایت از زندگی خود داشته واز مجری برنامه خواهان رهنمائی شدند . "مرحبا" از شهر مزار مشکلاتش را چنین بیان نمود : " پدرم دوزن دارد همراه من و مادرم رویه بد دارد . حرفهای خیلی زشت می زند . مادرم خانم اولش می باشد . پدرم پسر هایش را زیاد دوست دارد ، اما دختر هایش را دوست ندارد . البته پسر ها از خانم دومش می باشند .

موضوع دیگر اینکه من یک بچه را دوست دارم می خواهم با او ازدواج کنم . اودو مرتبه نزد مادرم آمده ، مادرم وفامیل بچه نیز رضائیت دارند . فقط پدرم همراه خانم دومش رضائیت ندارند نمی دانم چه کنم مرا رهنمائی کنید . " مجری برنامه در جوابش گفت : " در هر خانواده که پدر محبتش را بین اولادها تقسیم می کند یقینا که محبتش کم می شود بدین مناسبت صدای اعتراض بلند می شود . اینکه بچه ها را بیشتر دوست دارد باید که شما با پدر خود با محبت رفتار کنید وبا او صحبت نمائید تا او را مطابق ایده خود تغییر دهید . در ارتباط با دوست داشتن پسر باید بگویم که در جامعه ما اکثر فامیل ها هیچگاه حاضر نیستند که دخترش پسری را دوست داشته باشد در جامعه سنتی ما این عمل باعث بد عفتی دختر می شود . چنانچه دختری که نمی خواهم نامش را بگیرم بچه ای را دوست داشت باهم عروسی کردند اما تا حال سر کوفت می خورد و می گویند که

معشوقه . او با این نام معروف شده است . بدین لحاظ پدر به سرنوشت اولاد خود بهتر می تواند فکر کند .

شما باید همراه مادر خود با پدر صحبت کنید او را آماده سازید ، من یقین دارم که اگر این ازدواج به نفع شما باشد حتما پدر شما بالاخره بعد از جر و بحث های زیاد و محبت شما حاضر و آماده به ازدواج شما می شود ."

دختر جوان مشکلمش را با برنامه در میان گذاشت وگفت " من یک بچه را دوست دارم فعلا بچه به ایران است مادر و پدرم رضائیت ندارند فامیل بچه به خواستگاری ام آمدند ، اما پدرم خواستگاری را رد کرد ."

مجری سوال نمود : " آیا بچه با شما قومی دارد ؟ " دختر در جواب گفت : " بلی بچه از قومی پدرم می باشد " در جواب دختر زنی که مجری برنامه بود گفت : " چون پسر قوم پدر شماست ، پدر شما او را دقیق می شناسد به احتمال قوی که پسر یا قاقاقچی و یا معتاد و یا اینکه کدام فعل بد دیگری دارد . بدین لحاظ شما باید با پدر خود همنا شوید ."

زن سومی شکایتش را چنین بیان نمود : " شوهرم دوزن دارد ، من زن اولش می باشم او مرالت و کوب می کند و از خانه بیرون می کند ، من دارای چند پسر و دختر می باشم . شما مرا رهنمائی کنید که چه کنم ؟ "

مجری مرد جواب داد : " اولین ظلم بود که مرد با آنکه خانم و اولاد داشت زن دوم گرفت . اما در این حال چه باید کرد ، همانطوریکه مرد اگر یک کلمه می گوید شما هم در جوابش کلمه بگوئید . حتمی زندگی به تلخی می گراید . برای اینکه بتوانید زندگی شیرین داشته باشید شما باید مدتی تحمل کنید . هرگاه شوهر شما به شما چیزی می گوید و یا کاری خلاف میل شما انجام می دهد شما حرکتی نشان ندهید که سبب تحریک وی گردد . زمانیکه اعصابش خراب می شود شما همراه دختر خود ، خود را مصروف کارهای خانه بسازید . بالاخره بعد از مدتی او احساس می کند که عمل زشتی که انجام می دهد و شما رویه نیک می کنید بالاخره سر عقل آمده و با شما حتما رویه نیک می کند ."

احسن به این رهنمائی !! آقای دکتر (کسی که مجری برنامه بانواست) آنطور قیافه ای به خود می گیرد و در ابتدا آنقدر از تساوی حقوق زن و مرد صحبت می کند ، هر کس فکر می کند که دو آتسه از حقوق زنان دفاع

خواهد نمود ، اما وقتیکه می خواهد زنان را برای حل مشکلات شان راهنمائی کند کند صحبتش درمی آید و چهره منحوس زن ستیزش به نمایش گذاشته می شود .

آقای دکتر علاوه بر اینکه زنان را به شورش و طغیان علیه مرد سالاری دعوت نمی کند ، از آنها می خواهد که هیچگونه مبارزه ای علیه مرد سالاری نکنند ، بلکه باید که همیشه مطیع و فرمانبردار بود و در هر کار نیک و بد شوهرش بلی گو باشد ، زیرا اگر بخواد حرفی بزند " زندگی شیرین به تلخی می گراید " این طرز راهنمائی همان راهنمائی سیستم کثیف مرد سالاری فیودالی است که می خواهد زن با شرم و حیا باشد . از نظر این سیستم کثیف زن با شرم و حیا زنی است که اگر روز چندین بار از طرف شوهر لت و کوب شود لب به سخن نگشاید ، اگر زنی از حشش دفاع کرد و زمان لت و کوب سر و صدا راه انداخت این زن " بی شرم و حیا " است و " آبروی " شوهرش را برده است .

چنانچه به زنانی توصیه می کند که هر گاه شوهر شما حرفی زد ، شما آنرا نادیده بگیرید و اگر اعصابش خراب شد شما " همراه دختر خود به آشپزخانه خود را مصروف سازید " باشد که هر چه خواست بگوید و مرتباً توصیه می کند که شما متحمل و بردبار باشید . هر گاه شما فشار را تحمل کنید شوهرت به سر عقل آمده بالاخره با شما به رویه نیک رفتار می کند . مثل اینکه آقای دکتر از آمریکا آمده است و با خصوصیات این جامعه آشنائی ندارد . در حالیکه آقای دکتر به خوبی می داند که اکثریت زنان در طول عمر خانه داری اش رنج ، درد و فشار های بیش از حد پدر ، برادر و شوهر را تحمل نموده علاوه بر اینکه زندگی اش بهتر نشده بلکه بدتر هم گردیده است .

در ارتباط با دوست داشتن دختر کدام پسر را آقای دکتر می فرماید !! اگر شما با کدام پسر دوستی کنید ، چون جامعه ما سنتی است باعث " بد عفتی " شما می گردد . طبق مثالی که آورد تا مانع دختر از دوستی با پسری که دوست دارد شود گفت همیشه مردم شما را به چشم بد کاره دیده و بنام " معشوقه " صدا می کنند و به دختران توصیه می کند که در این زمینه شما فقط باید پدرت را همراه خود داشته باشید در غیر اینصورت شما خود حق ندارید که کسی را به عنوان شوهر انتخاب کنید ، بلکه در " جامعه سنتی " فقط پدر حق انتخاب شوهر به دخترش را دارد و پس در غیر اینصورت شما همان " معشوقه " بد کاره خواهید بود .

ستم بر زن و قتل های ناموسی در جمهوری اسلامی افغانستان شب سیاه و بی پایانی را می پیماید. این شب سیاه پایان نخواهد داشت اگر زنان به مبارزه علیه این سیستم کثیف بر نخیزند و متحد نشوند. و دوشادوش مردان مبارز و انقلابی حرکت نکنند.

زنان مبارز و انقلابی و ستم دیده افغانستان!

اگر می خواهید که به این ستم و قتل های ناموسی پایان دهید باید خشم تان را در راه انقلاب رها سازید. باید شجاعانه به مبارزه بر خورسته و متحداً با همزمان تان (مردان انقلابی) یکجا و متحداً به صفوف این ناکسان یورش برید تا باشد که این شب سیاه را به سپیده دم صبح تبدیل نمایید، در غیر اینصورت همان آس است و همان کاسه.

از خانم مجری می پرسیم در صورتیکه پسر قوم ایشان است فقط پدر او را می شناسد آیا دختر هیچ شناختی با او ندارد؟ در حالیکه همانطوریکه پدر قومش را می شناسد دختر هم می شناسد به یقین کامل می توان گفت که اگر پسر کدام فعل بد داشته باشد دختر هم او را قبول نمی کند، علت عدم رضایت پدر در جای دیگری است. ممکن پسر فقیر باشد و نتواند پولی که پدر به عنوان مهریه می خواهد، آماده کند. چنانچه دختر هم گفته که بچه فعلاً به ایران است. بقینا که همین طور است. اکثریت پدرها بخاطر گرفتن مهریه گزاف خواست دختران شان را نادیده می گیرند نمی خواهند که به خواست آنها رفتار کنند به جرات می توان گفت که پدر این دختر نیز از جمله همان پدرها است که می خواهد دخترش را بفروشد.

بدتر از همه اینست که یک عده از زنان خود در خدمت سیستم مرد سالاری کمر بسته اند بجای اینکه زنان را به مبارزه علیه سیستم مرد سالاری دعوت کنند از آنها می خواهند که با این سیستم باید گردن نهند. چنانچه برنامه بانو دو مجری دارد که یکی مرد و دیگری زن. تمام سوالها را مرد جواب می دهد وزن یاد داشت مشکلات را می گیرد. حینیکه دختر گفت که من یک پسر را دوست دارم مادر و پدرم رضایت ندارند. مجری مرد سوال کرد که آیا بچه از قومی شما است و دختر جواب مثبت داد خانم مجری فوراً در پاسخ گفت: "چون قوم شما است پدرت اورادقیق می شناسد یا پسر معتاد و قاچاقچی است و یا کدام فعل بد دیگری دارد. شما باید حرف پدر را بشنوید" این خود بزرگترین ظلمی است که از طرف یک زن به دیگر زنان می شود

جنایات ضد انسانی علیه زنان در افغانستان

لفظی نمودند. بعد از اینکه تدریجاً سرکشی طالبان و القاعده از زیر فرامین حامیان جهانی شان آغاز گردید و به خصوص پس از حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی در نیویارک بود که امپریالیستهای اشغالگرتحت رهبری امپریالیزم امریکا نه تنها با آب و تاب شعار مبارزه علیه تروریسم طالبی و القاعده را سر داد، بلکه حمایت خود را از اسارت زدایی، تساوی حقوق زنان و حل بحران افغانستان نیز اعلام نمود.

وقتی که قوای امریکایی، آیساف و ناتو در "ظاهر" تروریستان طالبی، القاعده را از قدرت به زیر آوردند و دولت طرفدار خود را در افغانستان به وجود آوردند. آنگاه از جمله جاده های ویران شده را اعمار نمودند، نهادهای مدنی را تا حدودی شکل دادند و اما بعضی از کارها را قسماً عملی نمودند. اما آن چنان که در کنفرانس های توکیو، بن، لندن برای بازسازی افغانستان، مبارزه علیه مواد مخدر، قاچاق، زدودن فقر، تساوی حقوق زنان و... را تعهد سپرده بودند، عمل نکردند و نمی توانستند که آنرا عملی کنند که بخش عمده بحران موجوده کشور ما را همین سیاست غارتگرانه و استعماری آنها تشکیل می دهد. سیاست های امپریالیستهای اشغالگرو دولت دست نشانده در مورد زنان کشور ما

همین "جنایات" ضد بشری در حق جنس مونث است که بیش از نصف جوامع انسانی را از کاروان پیشرفت، حق خواهی، برابری، آزادی، تمدن آفرینی نوین و تحقق نظام مردم سالاری محروم نگهداشته است. به صورت خاص در کشورهای عقب نگهداشته به ویژه در افغانستان امروزی ماجرای غم انگیز جنایات ضد انسانی بالای زنان و به خصوص بالای دختران صغیر و نابالغ چنان وسیع است که نمی توان در مورد صرف برخورد عاطفی نمود و با چند شعار خود و مخاطبان خویش را لحظه ای تسکین بخشید.

سیاست دولتمداران و امپریالیستهای اشغالگرو در قبال زنان:

زمانیکه طالبان در ضمن جنایات ضد انسانی و شونیستی خویش در کشور، زنان تحت ستم میهن ما را با شدیدترین شیوه غیر انسانی به اسارت گرفتند و حتی زنان را از بیرون رفتن از منازل شان نیز ممنوع قرار دادند؛ آن وقت حامیان بین المللی و منطقوی طالبان حتی به صورت شفایی و غیر مؤثر هم از حق تلفی و محکومیت زنان که توسط زمامداران امارت اسلامی طالبان صورت می گرفت، شکایت

تندر مشعل

گزارشگر نبره زن

آیا استبداد جنس مذکر بالای جنس مؤنث ناشی از "فقر" سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی، اخلاقی و... در نظام جامعه نیست؟ آیا دختر فروشی از سوی رئیس خانواده (پدر، برادر، کاکا، ماما و...) به عنوان یک "افتخار" برای سایر مرد سالاران به حساب نمی آید؟ آیا تجاوز جنسی یک مرد بالای یک زن، "جوهر" وحشت مرد سالاران و غلبه شهوت رانی حیوانی آنان را بازتاب نمی دهد؟ آیا ازدواج های اجباری دختران توسط رؤسای خانواده شان به مثابه یک "عمل" ضد انسانی به شمار نمی آید؟ آیا ازدواج با دختران صغیر و نابالغ توسط مرد سالاران، "ماهیت" حیوانی و غیر بشری آنها را انعکاس نمی دهد؟ آیا جنایت یک انسان در برابر هم جنس اش، شخصیت و کرامت انسانی را حتا نسبت به حیوان نازل تر نمی کند؟ هرچند حق تلفی، خشونت، ظلم، تجاوز جنسی، سنگسار، اسارت، کشتار و انواع مختلفی جنایات علنی و مخفی ضد انسانی از سوی مردسالاران بالای زنان، دختران جوان و صغیر آن قدر گسترده و بی پایان هستند که زبانها از شرح و قلمها از نوشتار آنها اگر کلاً عاجز نباشد ولی نهایت دشوار خواهد بود.

اغلبا جنبه ای "سمبولیک" داشته تا خدمات سازنده برای آنان. نهادهای تعلیمی و معارف کشور ما با موانع گسترده اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، تشکیلاتی، درسی، تخنیکی، تدریسی و... همچنان کمبود استادان مجرب مواجه می باشند که علت آن همان عدم توجه امپریالیستهای اشغالگر ورژیم دست نشانده به معارف کشوری باشد. به این اساس به خوبی دیده میشود که امپریالیستهای اشغالگر امریکایی با وجود سرازیر کردن سرمایه های هنگفت مالی و تجهیزات نظامی به غیر از تباهی و دروغ پردازی کاری دیگری نداشته و ندارند. آنها به خاطر اهداف شومی که روی دست داشتند به این سرزمین حمله ور شده اند. تبلیغات دست اندرکاران کمک کنندگان امپریالیستهای اشغالگر در امور حقوق زنان کشور ما بیشتر "حالت نمایشی" داشته و در زیر این چنین سیاست ها اصلا در پی تحقق خواسته های استعماری خود می باشند که رسوائی آن برای مردم افغانستان کاملا روشن گردیده است.

سوالی که امروزه در ذهن بیشتر مردم خلق گردیده این است که چرا امپریالیستهای اشغالگر امریکایی بادر نظر داشت تمامی تجهیزات نظامی، سیاسی و اقتصادی خویش نتوانسته اند بر "تروویزم" غلبه کنند و آنرا کاملا از پای در آورند زیرا "امپریالیزم بیرکاغذیست" گرچه ظاهرا تادندان مسلح است، اما در مقابل ملت که به پاخیزد و در مقابل با امپریالیزم پیردازد چیزی نیست جز بربکاغذی بدین علت است که نمی تواند طالبان را عقب زده و بر جنگ چیره شود.

جالب است که از طریق نهادهای سمعی، بصری، تصویری دولتی، غیر دولتی و خارجی به سمع جهانیان رسانیده می شوند که برای دختران کشور ما میدان های فوتبال، والیبال، شنا، دوش، بوکس، کراته و... گشایش یافته و مسابقات آنان را با چنان رنگ و روغن تبلیغ می کنند که گویا "نیازمندی عمده" زنان رفع گردیده است و زنان به حقوق خویش دست یافته اند.

گرچه در دستگاه های تلویزیون و رادیو زنان و دختران به گذارش دهی مبادرت می ورزند اما از سوی دیگر زنان و دختران جوان که در ادارات دولتی و غیردولتی کار می نمایند با شدت مورد "آزار، اذیت جنسی، حق تلفی و توهین" قرار می گیرند. از یک طرف مراجع مربوطه با تبلیغات تشویق کننده "مسابقه

والیبال" دختران را نمایش می دهند و از طرف دیگر "گوش و بینی" یک زن توسط شوهرش بریده می شود. در جای دیگر چهره دختر "برنده" مسابقه دوش را در رسانه ها و تلویزیون نشان می دهند و در مکان دیگری جنگ سالار مرد دختر یازده ساله یک بیوه زن را در شهر قندوز با زور تفنگ ربوده و به یک سنگ جنگی تبادل می نماید و از پیگرد قانونی هم در زمینه خبری نیست. در یک مورد دختری را نشان می دهند که به تمرین "بوکس" مشغول است و در موارد وسیع دیگری عملا شاهد "ازدواج های اجباری" بیوه زنان، دختران جوان در تمام مناسبات جامعه خویش می باشیم که نتایج سیاست های ضد ملی - ضد دموکراتیک دولت دست نشانده و اربابان امپریالیستی اش را به نمایش می گذارد.

در مراکز شهری حد اقل زنان جهت خرید نیازمندی های خویش به بازارها قدم می گذارند؛ ولی در جهت دیگر یک زن شوهردار و اولاد دار بنام بینظیر در شینوار جنوبی توسط شوهران شان "چهار بار" فروخته می شوند. هر چهار شوهر این زن به خاطر فقر اقتصادی بینظیر را فروخته اند، بلکه به سبب فرهنگ مسلط مرد سالاری و جهالت قبیلوی و بدوی خود فروخته اند که چندی قبل در مطبوعات با عکس آن نشر گردید. (منبع: سایت کاتب هزاره). این عمل در قریه ماروای ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات نیز اتفاق افتاده است.

در جایی هم شاهد "مسابقه کراته" دختران هستیم، ولی اصلا در متن جامعه شاهد ازدواج های غیرانسانی با دختران نابالغ و صغیر می باشیم. و در ضمن در یک مورد دیگر یک خانم روستایی هزاره را مشاهده می نمایم که با نواختن صدای دنبوره اش غم های روزگار را از دلها و اذهان جامعه کاهش می دهد و به زنان کشور اعتبار و عزت می بخشد تا خودساز گردند.

چندی پیش از سوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد یونیسف در مطبوعات عکس این مرد سالار کهن سال را که با دختر یازده ساله گویا ازدواج نموده است، به عنوان "عکس سال" به دست نشر سپرده شد.

اینکه روی چه انگیزه ها این عکس در اخیر سال ۲۰۰۷ در محضر دیدگان عامه گذاشته شده است؛ آگاهان مسایل امور خود در زمینه خوب می دانند و به داوروی همه جانبه خواهند

پرداخت. این بدین معنا نیست که امپریالیستهای اشغالگر تازه از ازدواج اجباری دختران نابالغ خبر می گردد، بلکه آنها قبل از این هم در زمینه معلومات خیلی وسیع داشتند و دارند. اما اینکه اذهان جهان را متوجه این عکس و ملاقات سران ایتالیا، انگلیس، استرالیا، آلمان، امریکا و... در این اواخر در افغانستان می نمایند؛ مسلما که به سرنوشت مردم افغانستان با انواع گوناگون بازی می کنند، جای هیچ تردیدی را باقی نمی گذارد.

در گوشه ای از گذارشات کمیسیون حقوق بشر، وزارت زنان و سایر نهادهای مدنی ملی و بین المللی از شکنجه، خشونت، خودسوزی زنان، خودکشی دختران جوان، ازدواج های اجباری، اختطاف زنان، تجاوزات جنسی بالای زنان، فرار زنان از جبر خشونت خانوادگی، بینی و گوش بریدن زنان و کشتن زنان حد اقل خبر را می رسانند که بازتاب دهنده یک عمل ضد بشری می باشد. اما رژیم پوشالی از تعقیب و مجازات مجرمین سربازمی زنند در مناطقی که طالبان قدرت رابدست دارند دروازه مکاتب به روی زنان بسته گردیده و قوانین شرعی اسلامی کاملاً حکم فرماست. یعنی زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نمی شود و بدون محرم شرعی به بازار رفته نمی تواند... خلاصه همان طوریکه طالبان زنان را به عنوان برده و مردان را مالک زن تلقی می کنند رژیم پوشالی حامد کرزی نیز بهتر از آن عمل نمی کند. قانون شخصیه اهل تشیح بیانگر این مدعاست. هر چند

حق تلفی، ظلم، بی عدالتی، اسارت و حتا کشتن زنان در فرهنگ مرد سالاری در افغانستان ریشه های خیلی دیرینه دارند و متأسفانه که کاملاً معمول می باشند؛ اما در بستر این سه دهه جنگ و بحران ویژه، فجیع ترین جنایات در حق زنان صورت گرفته و حتا حال در زیر تسلط قوای آیساف، ناتو، امریکا و دولت "جمهوری اسلامی افغانستان" نیز ادامه دارند.

نتیجه:

چند نمونه ای از جنایات ضد انسانی که در حق زنان صورت گرفته اند، از یکطرف ریشه در گذشته دارند و از طرف دیگر بیانگر یکی از نتایج سیاست های ضد ملی و ضد دموکراتیک دولت دست نشانده و اربابان امپریالیستی اش در قبال افغانستان طی چند سال اخیر می باشند.

زیرا، اگر از یک طرف حکام کشور مصروف زراندوزی و بازی های سیاسی با یکدیگر هستند. از جانب دیگر کشورهای خارجی عمدتاً در پی تحقق غارت از کمک های جهانی و ثروت ملی کشور مستعمره افغانستان می باشند. امپریالیستهای اشغالگر امریکایی مستقر در کشور بارژیم دست نشانده اش در جهت مبارزه سرنوشت ساز علیه مواد مخدر، قاچاق، ناقضین حقوق بشر، قدرتمندان محلی، تمدن ستیزان، فساد اداری، زن ستیزان و جهت حد اقل کاهش بحران افغانستان فعالیت نکرده و نمیکنند؛ ما نیز نباید توقع چنین کاری از آنها داشته باشیم.

تا زمانیکه امپریالیستهای اشغالگراز کشور با خروج قهری توده های ستمدیده این دیار مواجه نشوند و به خروج شجاعانه و رزمجویانه مقابل نگردند و تا زمانیکه دولت دست نشانده اجیرشان فرو نریزد و یک دولت ملی، مردمی و انقلابی بوجود نیاید مصیبت ازدواج های اجباری، خودسوزی، فرار زنان از خانه، شکنجه، خشونت های خانوادگی، اسارت و کشتار زنان و دختران بازهم توسط مردسالاران ادامه خواهد داشت.

در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان باید خشم زنان را به عنوان عامل قدرتمندی در راه انقلاب رها سازیم و درین راستا ازهیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیم.

به امید پیشرفت روز افزون مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان

جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست را در ولایت فراه محکوم میکنیم

هموطنان عزیز

واقعه دلخراش و سینه چاک بمباران هوائی قریه " گرانه " ولایت فراه - باردیگر، دل هزاران انسان ستمدیده را داغدار نمود، نیروهای متجاوز ائتلاف بین المللی به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا بار دیگر مردمان بیگناه این دیار را زیر بمباران جنایتکارانه خویش قرار داده و آنها را به ترک خانه هایشان از منطقه وادار نمودند.

اشغالگران امپریالیستی به سرکردگی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا یوم دوشنبه مورخ ۴ می ۲۰۰۹ مصادف با ۱۴ ثور ۱۳۸۸ قریه " گرانه " را هدف بمباران هوائی خویش قرار دادند که در اثر آن ۱۴۰ تن کشته شده و حدود ۱۰۰ خانه رهائشی ویران گردیده است. تعداد زخمیان این حادثه غم انگیز هنوز جمع بندی نگردیده ولی حول و هوش ۱۰۰ نفر دور میخورد. قربانیان این جنایت وحشتناک را بیشتر، زنان و کودکان تشکیل داده است. طبق ادعای شاهدان عینی از منطقه " گرانه " بر اثر بمباران هوای نیروهای اشغالگر علاوه بر کشتن ۱۴۰ تن وزخمی شدن صد هانفر، خانه های مسکونی کاملاً ویران شده و اکثر حیوانات شان از بین رفته است. این بمباران هوای مناطق بالابلوک فراه رانیز فرا گرفته بود.

توده های شرافتمند و آزادیخواه افغانستان!

جنازه های تان را دفن کرده، با تمام قوت و توان و با خشم و انزجار بیشتر علیه قوای اشغالگر امپریالیستی و رژیم پوشالی آماده شوید و تا خروج نهایی نیروهای اشغالگر و سرنگونی و محو کامل رژیم پوشالی به مقاومت تان ادامه دهید! بیاید از افغانستان ویتنام دیگری بسازیم و آنرا به گورستان امپریالیزم امریکا مبدل سازیم!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده را محکوم نموده و و اعلام میدارد تا بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی، همپای تمامی مردمان رزمجوی این کشور حرکت نموده و از مقاومت ها و مبارزات بر حق آنها بر مبنای خط مقاومت ملی مردمی و انقلابی پشتیبانی کامل مینماید.

ما باور مندیم که بدون شرکت فعال زنان هیچ انقلابی به پیروز نخواهد رسید.

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی انقلابی علیه اشغالگران امپریالیستی و خائنین ملی

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۱۴ ثور ۱۳۸۸



نیروهای امپریالیستی اشغالگر در اثناء تلاشی زنان در ولایت ننگرهار - افغانستان

دشمن خود به خود از بین نمی‌رود. نه نیروهای متجاوز امپریالیزم امریکا در افغانستان و نه مرتجعین میهن فروش و بنیاد گرا در کشور، هیچکدام به دلخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد. بر ماست که خلق را متشکل کنیم. بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا امپریالیستها و مرتجعین را واژگون سازد. تمام پدیده های امپریالیستی - ارتجاعی با هم یکسانند ؛ اگر آنها را نزدیک ساقط نخواهند شد. این درست مانند جاروب کردن کف اتاق است - علی القائده خس و خاشاک از جایی که جاروب نشود به خودی خود زایل نمی گردد. نفرت و انزجار خویش را به مقاومت ملی ، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده اش متمرکز نماییم.